

شقا شقی

ان ان ها

Ketabton.com NO RESULTS, KEEP WORKING

Bad Results, Keep Working

Great Results, Keep Working

سید حسن درخشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم عجل لوليک الفرج



این کتاب را تقدیم می کنم
به تمام کسانی که نخواستن ذلیل و حقیر باشند.
و همچنان ذلت را دوست ندارند، این کتاب برای کسانی می باشد
که دوست دارند سر بلند و موفق باشند

با احترام دوست شما

سید حسن درخشان

حضرت علی [ع] فرمودند:

«چه بسا کسی که با نعمتهای رسیده، به دام افتد، و با
پرده پوشی گناه فریب خورد، و با ستایش شدن آزمایش
گردد، و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن نیاز مود.»

فهرست مطالب

7.....	قوانین این کتاب.....
8.....
8.....	از شما برای شما.....
9.....	چرا این کتاب چاپ نشد؟.....
10.....	سخن ناشر.....
11.....	مقدمه.....
12.....	مفهوم کتاب.....
13.....	جلد اول موفقیت.....
1.....	خود شناسی، خدا شناسی.....
1.....	۱- انسانهای جهانما.....
2.....	۲- انسانها حیوانما.....
4.....	شخصیت سازی.....
5.....	چه طور می توانیم با مشکلات مبارزه کرد؟.....
7.....	دین و علم.....
9.....	علم چیست؟.....
10.....	موفقیت.....
12.....	باور های مثبت.....
14.....	محدود نباشید!.....
15.....	جسم انسان.....
16.....	دستگاه های اصلی بدن.....
17.....	جهان را چگونه تصور کنیم؟.....
18.....	قدرت تفکر.....
18.....	اصل قدرت تفکر تان چیست؟.....
20.....	حجاب بهترین تحفه پی برای زنان.....



- 22.....قیامت
- 23.....چرا یک لحظه تفکر مفید واقع می شود؟
- 25.....اتفاقات تصادفی نیستند!
- 26.....دانشمندان خادم بشریت اند، نه سرور شان
- 27.....خلقت برای خلق، خلق شده است
- 29.....بزرگترین اشتباه نداشتن دین میباشد
- 30.....عمل نمودن بهترین میباشد
- 31.....ما برای بهترین ها خلق شده ایم
- 32.....ما آینده می آموزیم، گذشته دیگر افسانه است
- 33.....فضای مجازی
- 35.....جنین
- 38.....یک نقطه در مورد جهان
- 39.....زندگی با خواب
- 40.....قانون نامحدود
- 44.....نمی دانیم اما آهسته آهسته می‌یریم!
- 45.....فقر مرگ بزرگی است!
- 46.....اندیشه ها
- 49.....جلد دوم نگاهی به درون خویش!
- 50.....قدرت کلام ما

قوانین این کتاب

- ← شما می توانید این کتاب را بخوانید، و به اشتراک بگذارید. اما نمی توانید مطالب این را تغییر دهید!
- ← این کتاب برای شماست، نه برای شخصیت های عادی.
- ← شما نمی توانید این کتاب را بفروشید!، اما می توانید آنرا به دوستانتان هدیه دهید.
- ← شما می توانید این کتاب را برای دانلود در سایت، کانال و گروهایتان بگذارید.
- ← و همچنان دوستان دارم...!



این کتاب را از دریایی شاد و پر مهر، به قلب های پاک و مهربان شما از صمیم موج طوفانی اندیشه و تفکر ذهنم تقدیم می کنم. بگذارید از شما سپاس گذاری کنم، که این کتاب را با خود دارید. طرز فکر شماست که می توانید، این کتاب را تا آخر بخوانید. و از خداوند عالم برای همه بندگان طلب علم و معرفت می کنم.

کتابی را که روبرو چشمانتان می بینید، **مفاتیح انسانها** کتابی است با مطالب مختلف و موضوعات عالی. این جهان ضعیف ها را اهمیت نمی دهد، شماست که با جهانتان مبارزه می کنید و قویتر می گردید. **شما برای** ایجاد انگیزه نیازی نیست به دنبال آن بگردید، شما قادرید برای خودتان انگیزه خلق کنید. شما قوی هستید برای اینکه به نحو احسن عالی می اندیشید و در جهانتان حکمروایی می کنید.

تو بهترینی....

با احترام

جهان قویترین ها موفق و شکست ناپذیر باشید

تاریخ شروع : ۵/۳/۱۴۰۲

چرا این کتاب چاپ نشد؟

بنده بر اینکه خدمتی کرده باشم برای تمام شما عزیزان این کتاب را نوشتم. امروزه جهان، جهان تکنولوژی علم و پیشرفت می باشد، از زمان های گذشته رو به این سو انسان ها تغییرات زیادی را مشاهده نمودن که این تغییرات باعث ایجاد زمان و جهان دیگر شده ، پس اگر هر انسانی می خواهد تلاش بر این دارد که موفقیت کسب کند، باید استاد تغییر باشید نه قربانی تقدیر .

این کتاب را چاپ نکردم نه بر اینکه پول مصرف نتوانم، بر اینکه نخواستم طبیعت آسیب ببیند . این کتاب را نه چاپ کردم و نه برای فروش گذاشتم تا همه بدانند که انسانیت پا بر جاست. این جهان و طبیعت برای ما هیچ آسیبی نمی رساند این مایم که باعث نابودی و انقراض نسل ها و گونه های از موجودات زنده شده ایم. و این ضرر ها و آسیب ها دوباره به خود ما می رسد . به شکل ها و نوع های مختلف پس بیاید جهان خویش را محافظت کنیم با کوچکترین قدم ها پیش به سوی جهان پر از مهر و آرامش ، اندیشه و تفکر . برای یک جلد کتاب چندین درخت قطع می گردد، پس در نتیجه برای چند جلد چقدر، و همچنان در تمام جهان چقدر درختان و جنگلات قطع می گردد. این تعداد به میلیونها تن چوب می رسد، اگر این تعداد را ضرب در روز های سال کنیم که تقریباً به میلیاردها تن چوب میرسد. این همه باعث از بین بردن فضا سبز می شود، زمانی که فضای سبز از بین برود دیگر نمی توانیم، هوایی پاکی را تنفس کنیم. پس زمانی که هوایی پاکی در فضا نه ماند زندگی کردن واقعاً سخت می گردد.

پس بیاید جهانمان را خودمان محافظت کنیم.

- زنده باد انسانیت
- زنده باد آزاد اندیشی
- زنده باد تفاوت
- زنده باد تغییر
- زنده باد هنر
- زنده باد قدرت و اراده
- زنده باد موفقیت



سخن ناشر

سپاس از خداوند جهانیان که هیچ مخلوقی قادر بجا آوردن شکر نعمت های او نیست، حتا اگر تمام عمر خود را صرف شکر نعمت های او کنیم. و بار الهی که امروز این نعمت را آرزانی داشتی و به من توفیق را دادی که دوباره قلم در کاغذ گذاشتم و به نوشتن آغاز کردم. همه چیز از آن توست و به سوی تو باز میگردد، و سپاس خدای را که علم او به شاخه ها و برگ های فراوان مثل باران پر نعمت به سوی ما بندگان ناشکر و ناسپاس می آید. به انسان نعمت بزرگ یعنی عقل را عنایت فرمود، برای جمع آوری علم بی کران خداوند (ج) بنگرید و به اطرافتان نگاه کنید، کسانی هستند که از دو نعمت بزرگ خدا علم و عقل استفاده نمی نمودن و شخصیت هایشان پهن های آسمان را شکافته و هر روز به بلندی ها و قلعه های بلندتر دست می یابند. و بنگرید به سوی دیگر انسانهای که شهوت بر وجودشان غلبه کرده، و کسانی که کفران نعمت کردن بنگرید آیا آنها از نعمت های خداوند درست استفاده نمودن نه بلکه مطیع و فرمان بردار شیطان شدن و از حیوان هم بدتر شدن.

هیچ وقت نباید غافل بر احوال خویش شوید، و منکر بر همه چیز گردید. زیرا غافل شدگان اهل جهنم اند. پس قبل از اینکه مرگ به سراغتان آید، سعی و تلاش داشته باشید که غافل و چشم بسته از دنیا نروید. پس بیندیشید و تفکر کنید، برای فردا بهتر

وتوکل علی الله

سید حسن درخشان

جمعه، کندهار افغانستان

2023\6\2



مقدمه

فکر کنید! که ذهنتان مثل یک لیوان خالی و شیشه بی می باشد، که کاملاً خالی و هیچ نوع اثری ندارد. پس شما قادر به پر کردن ذهنتان هستید. اگر این لیوان را با آب ناپاک یا هم نوشابه که همه می فهمیم مضر می باشد پر کنیم، می بینیم که همه لیوان را سیاهی و تاریکی فرا گرفته دقیقاً ذهنتان همینگونه می باشد.

اگر با افکار پوچ و منفی پرش کنید می بینید، که تمام ذهنتان را بدی ها احاطه کرده و قادر به از بین بردن آنها نیستید، تا زمانی که علت دیگری را وارد ذهنتان نکنید. مثلاً اگر در همان لیوان ناپاک آب پاک را بریزید و همیطور جریان داشته باشه مشاهده می کنید که آب آهسته آهسته شفافتر و ذراتش می گردد، تا اینکه کاملاً پاک می شود.

پس اگر ذهنمان را از فکر های منفی و مخرب آهسته آهسته پاک کنیم، تا اینکه کاملاً مشاهده می کنید، که شما یک انسان دیگر شده اید. ذهن انسان بر تمام وجود انسان تسلط کامل را دارد. اگر از ذهنتان بصورت عالی استفاده نه کنید همانطور که چشم بسته به دنیا آمده اید از دنیا خواهید رفت پس از هر ثانیه که میگذرد خوب استفاده کنید اگر دنیا را وداع گفتید، از ثانیه های را که خوب استفاده کرده اید، می ماند برای کسانی که بعد از شما که می آید و آنها از ثانیه های با ارزش شما استفاده می کنند. این امر همچنان ادامه دارد تا آخر زمان بصورت یک امر نیک، اگر به نهو بد استفاده کنید کسانی به شما پیوست میخورد همچنان به بدی کردن ادامه می دهند. از قدیم گفته اند که دنیا دو روز می باشد این دو روز کدام روز هاست، روزی که شما به دنیا امید و روزی که از دنیا می روید.

پس بیاید این دو روز را با انجام کارهای نیک جاودان کنیم. **در خاطره ها نمایید، در تاریخ بمانید.**

{ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ }



مفهوم کتاب

از آنجایی که معنی و مفهوم کتاب چیزی دیگری را مخاطب قرار می دهد، ولی اصل معنی کتاب چیزی دیگری می باشد. **شقاشوق در لغت از کلمه شققشقه گرفته شده است، که معنی** از نظر ذهن سطح پایین را دارا هستن، که برای حرف و کلام خویش دقیق فکر نمی کنند. و هر بد و بیرای که گفتن میگوین، مخصوصا کسانی که تازه به عصر علم رسیدن و با مقدار که علم دارن متکبر می شوند.

فکر کنید که علم دریاست، و این ذهن شماسست که بر روی این دریا سیل میکند. **طرز فکر شما کشتی نجات شماسست در این دریا بی کران خدا.** و شما را از امواج بلند و پر تلاطم نجات می دهد.

از قدیم گفته اند: {عالم بی عمل، مثل زنبور بی عسل}

پس اگر تمام علم در وجود شما نهفته باشد و عمل نکنید، علم تان معنی پیدا نمیکند. درست مثل ما افغانها بنده خدا لیسسه و دانشگاه را به پایان رسانده ولی بعد یک زمان می بینی که به همان شغلی که در دوران کودکی داشته بر میگردد. حالا این هم مهم نیست که هر فردی نباید که دکتر، انجینر شود. این قانون طبیعت است که بعضی از افراد بلند باشند و بعضی دیگر هم پایین. حرف مهم اینجاست، که عمر عزیز خویش را با تغییرات بگذرانند این راز موفقیت است که باید تغییر کرد.

حضرت علی (ع) فرمودند: (مومن کسی است، که امروزش با فرداش متفاوت باشد)

خداوند در قران کریم می فرماید: { **إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ** } «سوره، انفال آیه ۳۲» (بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند)

و در چندین جای دیگر قران نیز آمده که بیندیشید و متذکر شوید ولی ما انسانها غافل هستیم.

جلد اول موفقیت

خود شناسی، خدا شناسی

انسان موجود رازآلود و عجیبی است، که بشر تا اکنون قادر به درک اناتومی بدن انسان نشدن. یعنی عجایب بدن انسان را تا هنوز کشف نکردن، درک و فهم انسانیت جلد ها کتاب نیاز است. از آنجایی که خداوند به انسان لقب (اشرف) را داده، به معنی بزرگوار. چرا ما انسانها تعقل نمی کنیم؟

تعقل در مورد چی، تعقل به همه که خداوند خلق کرده که عظمت و جلال مخلوقاتش به خود خداوند معلوم می باشد.

انسان به دو دسته تقسیم شده از نظر نگارنده: ۱-انسان جهانما ۲- انسان حیوانما.

نگارنده این پیام را می رساند که مفهوم و درک انسانیت واضح شود، از نظر زندگی، شخصیت، مقام، خصلت و غیره به نوع های مختلف.

۱-انسانهای جهانما

به شخصیت هایی گفته می شود که از روز اول که خلق شده اند تا زمانی که دار فانی را وداع گفتن. فکر و ذکرشان بشر و پیشرفت زندگی بشر می باشد. در این دسته دو گروه دیگر نیز وجود دارد. خود خوا و فداکار. افکارها متفاوت می باشد همانطوریکه انسانها متفاوت به عمل می باشد. انسانهایی خودخوا از نظر شخصیت به کسانی گفته می شود، که از خوشی های دیگران در هر اسند. لذا تاکید بر این شده که از این نوع انسانها باید دوری جست، چرا؟ به دلیل اینکه هم به خود ضرر می رسانند و هم به دیگران. اکنون به نوع دوم می پردازیم انسانهای جهانما. شخصیت های فداکار که همه عالم مدیون این انسانهاست. شاید شما در اطراف خویش این نوع انسانها را دیده باشید، که به نهوهای مختلف جان نثاری کردن. حالا خواننده عزیز شما فکر کنید که حتما جان خود را فدا دیگران کنیم، که اصلا بعد مرگ ما را اهمیتی هم نمی دهند. نه خیر اینطور طرز فکرتان می باشد. فداکاری تنها اینیست که از جان شیرین خود گذشت، هر کار خیری که باعث خوشبختی انسانها شود، مهم نیست از جانب چه کسی باشد مهم اینست که همه در رفاه زندگی کنند.



۲- انسانها حیوانما

خوشبختانه بگم یا بدبختانه دسته دسته انسانها به این طرف سوق داده می شود، افکار های غلط و پوچ زندگی مثل حیوان بدون درک و فهم فارق از تفکر و شخصیت که دراکات جهنم جای چنین انسانها خواهد بود. این نوع انسانها مثل گلاس پر از آبهای گندیده و فاسد می باشد، که هزاران نوع مکروب در آن حکمروایی می کند. خواننده عزیز خودت تعقل کن در مورد چنین انسانهای که دارند، مهمترین و بارزترین چیز که بشر به او احتیاج دارد، **دین است**. دین اساس و ستون یک زندگی کامل برای بشریت می باشد. در قرن نوزدهم ۱۹ عالمان و دانشمندان به این شیوه عمل نمودن که عصر علم و تکنالوژی است، انسانها دیگر به دین نیاز ندارند. به همین علت بود که از دین جدا شدن و عصر علم را ترقی و پیشرفت بشریت دانستند. ایامی دانید؟ بعد از این عمل چه فاجعه رخ داد، و این فاجعه بر تمام مردم جهان تحمیل گردید. **این فاجعه جنگ جهانی اول و دوم بود**. بر اثر این دو جنگ همه مصیبت ها بر سر کشورها ی فقیر جهان سرازیر گردید، از این برکت خودشان نیز فیض بردن. میلیون ها انسان کشته شد، هزاران خانه بدون سرپرست شد، مراکز علمی و تحصیلی تخریب و بسته گردید و هزاران خسارت جانی و مالی بر مردم تحمیل گردید. به نظر خود شما چنین کسانی که خود را از همه بهتر قرار می دهند و خود را عالم و دانشمند جا میزنند. من که نمی توانم لقب انسان را به آنها داد شما چی؟

علم چیست؟

علم کشف، اختراع، می سازد و می پاشد. علم راه است، راهی که هزاران قلعه ها و گودال های بزرگی دارد. ولی **دین چیست؟**

دین در این راه چراغ و روشنایی می باشد که بشر اجازه دارد که خود را در گودال ها بیندازند، یا در قلعه ها صعود کنند. دین چراغی می باشد که هر دو راه را به شما نشان می دهد، دین این چنین اسن که راهکار های واقعی زندگی را برای بشریت هدیه می دهد. از دین استقبال کنید، حالا که به هر شکل مختلف همانطور که برای وطن خویش خدمت می کنید برای دین یا بهتر بگم برای آموزش انسانیت تلاش کنید. **چنانچه شاعر می گوید:**

گر بینی نابینا و چاه است اگر خاموش بشینی گناه است



به هر نهو که بود فرضاً خویش را شناختیم و بر افکار و نفس خویش مسلط شدیم. به خودی خود نور ایمان در دل های مان حکومت میکند. اینجاست که میتوانیم خوب را از بد و بد را از خوب تشخیص داد. پیشرفت یک انسان اندیشمند هرگز متوقف نمی شود چرا بر اینکه می تواند فکر کند و راه دیگر برای خویش درست کند. اینکه خود را شناختیم بعد باید مخلوقات خداوند (ج) را شناخت و بعد به قلعه های آسمانی دستیاب شویم. **خداوند در قران کریم می فرماید: "يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِن اسْتَطَعْتُمْ أَن تَتَفَكَّرُوا مِن أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَافْكُرُوا إِلَّا تَتَفَكَّرُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ"** «سوره الرحمن، آیه ۳۳»

{ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید ولی هرگز نمیتوانید مگر با نیرویی فوق العاده}

در این جا نیرویی فوق العاده که ذکر گردیده چیست؟

این نیرو ایمان، صبر، عمل صالح و تقوا می باشد که با این چهار قوت می توانیم عظمت و جلال خداوند را درک کرد. با وجود این میتوان در های علم را باز کرد، این چهار عمل متکی بر اراده قوی میباشد. بحث را هرچقدر طولانی کنیم، طول خواهد کشید. **اگر در خانه کس است، یک حرف بس است.**

دقت براینکه اگر می خوتاهید در زندگی خویش تغییرات را ببینید، پس برای شناخت خویش تعق کنید. و برای پیشرفت خود و بشریت امید، توکل، صبر و تلاش بسیار سخت را در پیش بگیرید و از ثانیه های زندگی تان خوب استفاده کنید، ما فقط یک بار زندگی میکنیم پس برای انسانیت خود که شده با شخصیت و متواضع زندگی کنیم.



شخصیت سازی

از آنجایی که تفکر و اندیشه انسانها متفاوت است، جسم و شخصیت های متفاوت دارند. شخصیت یک انسان از روی رفتارها و کردار وی مشخص میگردد. نه تنها اینکه بلکه می توانیم رفتارها او را از قبل فهمید. زمانی که یک کودک از دنیایی شکم مادر به جهان جدید قدم میگذارد، این موقع است که تمام امواج و انرژی های اطراف خویش را حس می کند. و عکس العمل نشان میدهد، این عکس العمل ها روی تمام جسم طفل تاثیر میگذارد. چرا؟ بر اینکه جهان شکم مادر با این جهان کاملاً متفاوت می باشد. از آنجایی که ما انسانها موجوداتی اجتماعی هستیم، و همه ما انسانها و شخصیت های متفاوتی را دیدیم، و رفتار های آنها روی ما تاثیر گذار بوده و همچنان ما روی هزاران جسم زنده و غیرزنده تاثیر گذاشته ایم، این جهان قانونش همین است (علت و معلول). این ها همه روی جسم و شخصیت ها نیز تاثیر میگذارد. امکان دارد که انرژی های منفی یا مثبت کدامش تاثیر خود را روی جسمان بگذارد، که انرژی های مثبت رفتار خوب و انرژی ها منفی رفتار منفی را مشخص میکند. بنده اکنون که این متن را مینویسم با ذهنم و جسم خویش اختلال شدیدی دارم و میدانم که اینها علت فضای بیرون جسم می باشد، و می دانم مهم نیست بر اینکه شاید در طول روز کدام اتفاقی حتما افتاده.

بیشتر باید مواظب شخصیت های کودکان مان باشیم. اگر در خانواده مشکلات اقتصادی، بی تفاوتی، فقر، جنگ و نزاع واقع باشد، این طفل در حال رشد خویش به موانع و مشکلات برزگ می شود. کودکان همیشه که رفتارهای را که یاد می گیرند از بزرگسالان خانواده اش می باشد پس همیشه مردان خانواده بیاد داشته باشند که با مشکلات بیرون خانه وارد خانه نشوند، اگر می خواهید که فامیل عالی داشته باشید باید برای فامیلتان مثل یک سوپرمن از خانواده تان حمایت کنید.



چه طور می توانیم با مشکلات مبارزه کرد؟

دلیل عمده ما انسانها در کره زمین که مشکلات بر ما هجوم می آورد، و برای خلاصی از این مشکلات دست به انجام هر کاری می زنیم. اولین راه مبارزه کردن با مشکلات داشتن **دین** می باشد. دین قبلا هم گفته بودم که چراغ راه ما انسان ها می باشد، که ما را از گمراهی ها و اشتباهات بسیار در آمان قرار می دهد. انسان در همه حالات نیاز به حامی دارد کسی که او را همیشه از قبل قویتر کنه، ما فطرتا نیاز به خدایی داریم که او را پرستیش کنیم. که این عبادت باعث تسکین روح و روان ما می گردد. بهترین معبود ان خدایی است که همه چیز را برای اسایش بندگانش خلق کرده ان خدایی که از نزدیکترین عضو بدن ما به ما نزدیکتر است و همیشه مراقب بندگانش می باشد چرا که خداوند خوبی ها را برای ما اراده میکند و ان خدایی که در هر مکان از جهان هستی باشی رزق تان را می رساند. **داستان جالبی خاطر م آمد بزارید تعریف کنم.**

« پیر مردی خارج از شهر مغازه قالین فروشی داشت ، جایی که هیچ یک از اهالی شهر عبور نمیکرد. روز ها شب می شد و شب ها هم روز، روزی یک تاجر راه را گم کرده بود از انجا عبور می کرد که ناگهان چشمش به مغازه ان پیر مرد افتاد، و رفت جلو بعد سلام و احوال پرسی. تاجر از ان پیرمرد پرسید که چرا؟ به شهر نمی روی و انجا قالین هایت را به خوب قیمت می خرند. پیرمرد یک نگاهی به وی انداخت و گفت: ان خدایی که فرشته مرگش در هر جایی که باشی میاد سراغت و جان تو را با خود می برد، . ان خدا نیز فرشته یی که رزق بندگان خدا را تقسیم می کند به هر جا که باشی رزق تو را می رساند. کافی است به خدایی خویش امید داشته باشی، خداوند تقسیم اوقات خوبی دارد هر چی را به وقتش می رساند. تاجر از حرفهای پیرمرد خوشش آمد و از او خواست که راه شهر را به وی نشان دهد. پیرمرد گفت: به شرطی نشان میدهم راه را که تمام قالین ها را از من بخری و در شهر بفروشی، تاجر راهی دیگری نداشت و قالین ها را از پیرمرد خرید، پیر مرد هم به وی راه شهر را نشان داد. پیرمرد اندر دل خود گفت دیدی که خداوند رزقم را رساند، **کافی است که در زندگی تلاش و امید داشته باشیم.**»

با امید و تلاش می توانیم بر مشکلات خویش غالب گردیم نه مغلوب. خداوند سبحان در قران کریم سوره عصر می فرماید: **{قسم به عصر ۱ که انسانها همه در زیانند ۲ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به صبر و استقامت توصیه نموده اند ۳ }**



آری برای رفع مشکلات به صبر و استقامت شدید باید داشته باشیم که فقط با تقوا الهی می توانیم حاصل کنیم. حالا خودت فکر کن خواننده عزیز بدون تلاش، صبر و استقامت به قلعه های شادی و طراوت رسید، نه خیر هرگز امکان ندارد. ناامید نشوید برای بدست آوردن آرزو هایتان سخت تلاش کنید اگر نتیجه نداد بیشتر تلاش کنید با امید به او خدایی که از نور خود به ما روح داده است باید سپاسگذار بود.



دین و علم

آغاز سخن با یک داستان کوتاه و پر مفهوم، چنانچه حقیقت یا راست بودن داستان مشخص نیست در یک کتاب خارجی خواندم و برای شما هم به اشتراک میگذارم.

« تاجری مشهور تجارت وی خیلی گسترده و بزرگ بود. روزی وارد شهری شد برای تجارت دید مردم شهر از فقر و بیچارگی رنج میبرند و در نامیدی بسر میبرند، وقتی به مرکز شهر رسید همه مغازه ها بسته است فقط در آن شهر یک مغازه باز بود، و چندتا وسایل روی میزی جلوه مغازه برای فروش گذاشته بود. تاجر تعجب کرد و رفت جلو تا به فروشنده رسید، دید یک پیر مردی صاحب مغازه است بعد از سلام و احوال پرسی، تاجر برای خریدن وسایل از پیر مرد تقاضا نمود. پیر مرد گفت: اینها فروشی نیستند، ولی من با همین وسایل تجارت خویش را پیش می برم. چیزی های که برای تجارت گذاشته عبارت بود از: شمشیر حسادت، خنجر ترس، طناب دار نفرت، که هر یک قیمت های خاص خود را دارد. اما روی یک پایه سیاه یک تیر پوشیده و فرسوده خورده بود. این تیر گرانبهاترین دارایی این پیر مرد بود، و تنها به خاطر این تیر تجارتش پابرجا بود. و آن تیر، تیر نامیدی بود. تاجر پرسید تو کیستی؟ پیر مرد جواب داد من شیطان هستم. آری دوستان بزرگترین و خطرناکترین ضرری که از شیطان بما میرسد، نامیدی می باشد که همه چیز را به فنا میکشد.»

ما انسانها موجودات عجیبی هستیم، در هیچ یک حالات زندگی شکر گذار نیستیم. اینجاست که انسانها عاقل قدم به جلو میگذارند، و آینده شان را با دین به دست می آورند.

دین چیست؟ دین قانون، یک چهارچوب و یک نظامی می باشد که انسانها حد و حدودشان را می یابند. فرض کنید که تقسیم اوقات عالم هستی بهم بخورد چی خواهد شد؟ اگر شب نشود و افتاب هم دیگر طلوع نکند، و یا هم انسانها چشم نمیداشتند چی می شد؟ همه می دانیم که فاجعه بسیار بزرگی رخ خواهد داد، و دقیقاً آن روز روزی قیامت خواهد بود. « زمانی که انسانها از حد و مرز های خویش گذشتند بدانید قیامت نزدیک است» این دین می باشد که برای ما راحتی، آرامش و چراغ راه هدایت مان است. انسان از دین جدا شود چی می شود؟ جواب: اگر انسان چشم نمیداشت چه می شد؟ دیگر برای انسان هیچ چیز مزیت خاص گذشته را ندارد، و به هر در و دیواری که خورد می خورد. ای انسان همه چیز روشن و واضح می باشد، و هزاران انسان دیگر تجربه کردند که بی



دینی یعنی فقر و دیوانگی پس ما چرا؟ از دین خود جدا شویم. آینده هر انسان دین او می باشد. مثل نفس انسان اگر نباشد دیگر هیچ تمام می شود زندگی.
مولوی یکی از شاعران برجسته در سخن و عاقبت عجیبش شعری گفته است.

از جمادی مردم و نامی شدم
وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم
پس چی ترسم کی زمردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر
تا برآرم از ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن زجو
کل شی هالک الا و جهه
بار دیگر از ملک پران شدم
آنچه اندر و هم ناید ان شدم
پس عدم کردم عدم چون ارغنون
گویدم که انا الیه راجعون

دین و ایمان به خداوند یکتا (ج)، پس از تجربیات مکرر دکتور ها در بیمارستان های غربی انها در یافتند که مریض های بی در مان را چطور علاج کنند. و امروزه به شکل روشن ثابت شده که ایمان به خدا بدن شخص مومن را از هر نوع مریضی حفظ می کند، و علاج بسیاری از مرض های خطرناک شده است. دین و ایمان به خدا همه چیز را به انسان می آموزاند و از افات جلو مان را میگیرد.

جوانان ما یک زمانی فلم و سریال های را که تماشا می کنند، فکر می کنند که زندگی واقعی را ان غربی ها می کنند. ولی این حقیقت نیست، ما فقط لحظاتی را که آنها به خوشی اکت میکنند را می بینیم نه ان زندگی واقعی شان را که از زندگی کردن مثل آنها مرگ بهتر است. آنها با مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنند که از حد انسانیت خارج میباشد. زندگی شان حیوانی، رفتار شان حیوانی، اخلاق شان حیوانی آنها مفسدین هستند، که نه از این دنیا خوب استفاده میکنند و نه آخرت خوبی دارند. **هیچ وقت صحنه های جعلی را نبینید! به دنیا به صورت واقعی اش نگاه کنید.**

زمانی که اندیشه شما بصورت واقعی بیانگر جهان شود. شما می توانید بر تمام مشکلاتان غالب شوید. **آلان بحث علم**



علم چیست؟

علم یک مسیر مشخصی میباشد، اگر در راه علم قدم بگذارید همه چیز برای شما دردسترس خواهد بود. علم بدون دین هیچ معانی نمی دهد، در راه علم هزاران شکست ها و موفقیت ها وجود دارد، دین در این راه نور چشمانتان می باشد اگر در این راه نابینا باشید همه خطرات نثار شما می گردد. اگر نور در این راه باشد شما قادر به تشخیص خوب و بد خواهید بود. **مشکل ما مسلمان ها چیست که در این عصر پیشرفت نداشته ایم؟**

مشکل ما این است اگر دین را گرفتیم علم را فراموش می کنیم، و اگر راه علم را پیمویم از دین خارج می شویم. **فکر کنید** که شما یک دانشمند هستید و می خواهید یک چیز جدیدی راه اختراع کنید با چند شکستی موفق می شوید، اما اگر یک کافر این کار را کند هزاران بار شکست می خورد و موفق می شود. براینکه کافر چراغ راه ندارد ولی مسلمان چراغ راه دارد و هیچ مانعی جلودارش نیست. و این مشکل ما مسلمان هاست که بهترین کتاب علم هستی را داریم و غافل و گمراه شده ایم. قرانکریم کتابی هست برای هدایت بشر در هر زمان و مکان ولی ما غافل شده ایم و این مشکل شخصی خودمان است که می خواهیم بر طرفش کنیم. شما بگید تا حال چند بار قرانکریم را با معانی و تفسیرش خوانده اید؟ یا هنوز هم وقت ندارید که عاقل شوید، ولی شما می خواهید که به نحو احسن تغییر کنید و می دانید که از کدام راه حرکت کنید. ما در خواب جهان میگذرد.



موفقیت

این جهان از انسانهایی تاریخی می نویسد که موفق شده اند، و زندگی شان را به گونه یی تغییر داده اند که نتیجه زحمت هایشان برای آینده بشریت حکمروایی میکند. موفقیت شانس نیست برای بدست آوردن موفقیت باید سخت تلاش کرد. اولین کاری که باید برای موفقیت انجام دهید، تفکر بهتر است. این تفکر شماسست انقدر قوی می باشد که کوهها را میشکافت و این جسم شما با صبر و استقامت قویتر میگردد. اگر امروز انسانهای موفق را ببینید گذشته آنها بسیار سخت و با مشکلاتی بسیار سختی روبرو شده اند. نخواستند مثل دیگر انسانها فقیر و در کوچه پس کوچه های شهر دست به گدایی زنند، این اراده قوی است که به انسانها طاقت بی پایان می دهد و به هر چیزی که بخواهند با تلاش کردن به دست می آورند. شما هم همینطور در کارهای که انجام میدهید یا خواهید داد از آآن شروع کنید شاید بعدا اراده تان در مورد کاری که میکنید عوض شد. پس هر فکری که دارید در ذهنتان نگذارید جلوه چشمانتان به واقعیتش تبدیل کنید، شاید برای بعدا به شما فرصتی داده نشود. اینجاست که می خواهید انجامش دهید شما را قویتر می کند. انسانهای قوی هرگز ضعیف نمیشوند و نه دوست دارند ضعیف باشند تمام مشکلات شان را با تلاش، صبر و حوصله به پایان می رسانند.

همه شما شاید با اسم این دانشمند بزرگ آشنایی داشته باشید، و از حکمت و اراده قوی که داشت امروزه شب های تاریک روز روشن و مجلل می باشد. چرا؟ براینکه ایشان 1000 بار در ساخت لامپ شکست خورد ولی اراده وی ضعیف نشد دوباره تلاش نمود در بار 1001 موفق به اختراع لامپ گردید و این جمله زیبا را به همه مردم جهان هدیه داد. «**هر گاه که شکست خوردید، فقط یک بار دیگر نیز تلاش کنید (ادیسون)**»

ذهنیت خیلی از افراد محدود می باشد در حالی که هر بار تلاش شما باعث نامحدودیت هایتان می شود که این از نوع موفقیت می باشد. هر چقدر آرزو هایتان بلند باشد همان قدر شما باید قوی باشید تا با شکست ها عادی و از نوع بزرگش سرخم نکنید و به راه هدفان ادامه دهید. شکست خودش یک معلم دانایی است که با هر بار آمدنش به ما چیز های جدیدی را آموزش می دهد. بعضی ها فکر میکنند که موفقیت را بدون شکست می توانند به دست آورد ولی این کلا اشتباه می باشد شکست برای انسانهای موفق درس جدیدی از زندگی می باشد تا اینکه بتوانند بیشتر برای خلق خدمت کنند. **برای شما شکست چه معنی میدهد؟** بنده از روز اولی که وارد مدرسه شدم هر سال پدرم می گفت که مقام اول را بگیر، ولی من نمی توانستم یازده سال گذشت در این یازده سال بار ها ناکام شده بودم ولی هنوز هم به خود باور داشتم که این چنین ادامه پیدا خواهد کرد. وارد سال جدیدی تعلیمی شدم سال آخر مدرسه که دیگر وارد دانشگاه می شوم این سال پدرم به من نگفت مقام اول باش این من بودم که به خودم گفتم که از مدرسه با



مقام عالی خداحافظی خواهم کرد که چنین شد که اراده کرده بودم. فقط کافی است که بخواهید و میشود و به **خدایگان** ایمان و امید کامل داشته باشید. ولی انسان نباید به فکر عقب ماندن خویش شود باید به جلو نگاه کند، درست است که کمی سخت است این سختی اش باعث می شود که شما قدر و عزت بیابید.

شخصی دنبال کار و شغل مناسب می گشت ولی هرچقدر تلاش نمود هیچ جای برای وی پیدا نشد که کار کند در حالی که تحصیل کرده بود ولی وی بعد چند مدتی در راه با پیرمردی سر خورد ان مرد از مردان خدا بود، رو به جوان کرد و گفت چرا اینقدر پریشانی جوان نگاهی به پیرمرد کرد هرچه در دلش بود به وی گفت پیر مرد نگاهی کرد به جوان لحظه یی سکوت کرد و فقط یک جمله به جوان گفت: «چرا خودت برای خود شغلی ایجاد نمی کنی» این جمله را گفت و پیرمرد به راهش ادامه داد. این جوان شغلی ایجاد کرد بعد چندین انسان دیگر هم در شرکت وی مشغول کار شدند.

اگر بر روی شما یک در بسته شد در آن لحظه ناامید نشوید، از در دیگر وارد شوید اگر دری در کار نبود ان را بسازید تا راه دیگران آسان شود و به شما ملحق گردند. **فورمول موفقیت**

دانش+مهارت+تلاش پیش از حد+شکست+دوباره تلاش ← موفقیت



باور های مثبت

باور های مثبت باعث افزایش ریشه ها موفقیت در وجودتان خواهد شد، و این باورها مثبت شماسست که از فکر های منفی شما را دور میسازد. باور های شما باعث پیشرفت شما خواهد شد، نه اینکه باور هایتان مثل بعضی از انسانها بی انتها و پوچ باشد. انرژی های مثبت در حال رشد در همه ابعاد زندگی شما خواهد شد. زمانی که از خودپسندی دست بکشید، و به جهان واقعی قدم بگذارید، یک اصطلاحی بود در جامعه ما که من همیشه ازش متنفرم (دیوانه باشید، که عالم غمتان را بخورد — عاقل نباشید، که غم عالم را بخورید) این اصطلاح برای کسانی میباشد که افکار شان بی اهمیت می باشد، که نه در این دنیا جایگاهی داشتند و نه در جهان ابدی. باور های شما مثل پا های شماسست که شما را به حرکت می آورد، که بستگی به طرز فکر شماسست که چطور می اندیشید و همان راه مسیر شما خواهد شد، باور در وجود خود داشته باشید که شما یک انسان شکست ناپذیر هستید. به آینده باور نداشته باشید که اوضاع زندگی بهتر خواهد شد، شما آینده بهتر را ایجاد کنید که و طبق برنامه ریزی های روزانه، هفته وار، ماهانه و سالانه پیش بروید و اینطور است اوضاع و مشکلات برای شما آسان خواهد شد و می توانی آینده خویش را تضمین کنید. اکثر افراد در مورد خودشان باور های نسبتا منفی دارند و از وجود خویش نا آگاه هستند، در مورد این فکر نمی کنند که چقدر قوی و سرشار از شگفتی هستند. در قرن نوزدهم **ویلیام جیمز** چنین گفته بود «باور کنید که ان باور حقیقت را می سازد» اگر امروز شما در وجودتان ضعف را حس میکنید و برای انجام کاری موفق نمی شوید، باور های منفی اطرافیان تان است که انرژی منفی برای شما ایجاد می کند برای از بین بردن این باور ها و انرژی های منفی باید شما کاری را که قصد انجام ان را دارید متمرکز شوید و دروازه گوش هایتان را ببندید و فقط در همان کار خویش متمرکز باشید و ان را ادامه دهید. تمام بزرگان فامیل باید **توجه کنید** که در وجود اطفال خویش انرژی منفی ایجاد نکنید. اگر فرزند شما یک خانه گلی میسازد باید مانع برایش ایجاد نکنید اگر برایش مانع ایجاد کنید این کار شدیداً در روحیه فرزندتان تاثیر منفی ایجاد می کند و قوه خلاقیت فرزندتان ضعیف می شود. اگر فرزندتان در کاری شکست خورد و ناکام ماند تحقیرش نکنید که او هیچ کاری را درست انجام داده نمی تواند همراهش همکاری کنید و در وجود وی انرژی مثبت ایجاد کنید و این باور را به او بدهید که بعد از چندین بار تلاش موفق خواهد شد. اگر امروزه شما افراد سالمی را میبینید که در فقر و بیچارگی دچار هستند، این ها همان باور های غلطی که پدران شان از کودکی در ذهن های کودکان شان ایجاد کردند که ما فقیرم، ما بی اهمیتیم، ما کار نمی توانیم، ما درس خوانده نمی توانیم و هزار حرف های دیگر که بر ذهن ان اطفال جاری هست و برای همیشه تا نسل های که از انها شکل میگیرند فقیر و بیچاره می مانند. اگر شما مرد بزرگی هستید هرگز به افراد فقیر و بیچاره کمک مالی و پولی **نکنید** همان قدر که پول برای کمک هزینه می کنید نکنید برای ایجاد طرز فکر های عالی در ذهن هایشان و تفکر مثبت استاد و کتاب هزینه کنید تا فقر و بیچارگی به کلی از همان منطقه ریشه کن شود. **مسولین این را باید اعمال کنید. شما هم تا یک حدی مسولیت دارید در قبال جامعه خویش**. سازمان های که برای کمک به مردم در کشور های مختلف ایجاد شدند نه براینکه فقر و بیچارگی را از بین



ببرند، فقط برای این ایجاد شدند که ریشه های فقر، مشکلات و بیچارگی را در ان کشور توسعه دهند تان ان کشور را به کلی نابود کنند و این سازمان ها در کشور های اسلامی بیشتر می باشد و موسس شان هم عسویان و یهودیان می باشد. ان به یک باره ریشه را نمی کنند آهسته آهسته برای این ان ها برنامه ریزی های طولانی مدت دارند تا از خلافتاری هایشان کسی آگاهی نداشته باشند. دولت های پولدار نمی خواهند که دولت های فقیر پیشرفت کنند به همین علت پول هنگفتی را برای کمک ارسال می کند تا همیشه فقیر به مانند و هرگز در تلاش نیستد که در ان کشور علم و فناوری را توسعه دهند. اگر در کشور های فقیر دانشمندی پیدا شود او را به بهانه های مختلف به کشور خویش می کشانند و ان دانشمند ان قدر احمق هست که فوراً جذب انها می شود و مردم خویش را فراموش می کند و از ذهنیت این فرد سو استفاده می کنند. هرگز نباید دانشمندان تان را به دیگر کشور ها هدیه دهید.



محدود نباشید!

محدود نباشید! یعنی اینکه نیاز های که اکنون دارید کافی نیست و به نیاز های آینده باید فکر کنید. زندگی شما مثل رود آبی است که از دریا سرچشمه گرفته و نقش شما در دریا آبی است که داخل دریا می باشد. اگر ان آب راهی برای رفتن پیدا نکند و در همان جا بماند گندیده و بلاخره به هوا تبدیل می شود. و همچنین زندگی شما مثل آب دریا است اگر فقط نیاز های که در یک جا دارید به تمام شدنش پی به برید هم شما خسته خواهید شد هم افراد که دروبر شماسست، شما باید خود را از حلقه های محدودیت به نا محدودیت تبدیل کنید. این یک نوع پیشرفتی است که ذهنتان را به خوبی پرورش بدهید و به ابعاد مختلف زندگی دست یابید. یک زمانی اگر انسانهای را که دیدید در زندگی شان انواع مشکلات را دارند، اینها همان انسانهای محدودی بودند و محدود فکر می کردند. ذهنتان دستگاهی بسیار قوی است که هر چقدر قوی بسازیدش قویتر میگردد، و اگر به برنامه های کندی ذهنتان را عادت دهید این عادت ادامه پیدا خواهد و هر روز ذهن و جسم شما ضعیفتر می گردد. این عمل تان بیشتر و بیشتر می شود تا اینکه از فکر کردن در مورد انتخاب های تان نیز منصرف می شوید و نمی توانید بیندیشید و آینده ضعیف پیشرو خواهید داشت. این سخن در وجود من انرژی مثبتی ایجاد و منتشر می کند در شما چی؟ « تو همانی که می اندیشی » به اعماق این جمله فکر کنید زمانی که می خواهید در زندگی تان بالاتر بروید و مشکلات زیادی اطرافتان را احاطه می کند این جمله را با خود تکرار کنید و به خود این تلقین بدهید که می توانید هر آنچه که فکر می کنید به دست می آورید. شما ذهنتان را بسازید، و ذهنتان زندگی شما را می سازد. فرض کنید که شما یک مبارز عالی هستید از شما تقاضا می شود که در شهر دیگری با حریفان مبارزه کنید، ولی شما در این فکر فرود می روید که ان حریفان چقدر پر قدرت خواهد بود، آیا شکستش خواهی داد یا خیر. این ذهن شماسست که با افکاری که تخیلات تان به وجود می آورد شما را محدود میسازد، و اگر تا زمان فرا رسیدن مبارزه سخت تمرین کنید و به ذهنتان این جمله را خطاب کنید که قبلا اشاره نمودم. شما این قدرت را بیشتر پیدا می کنید تا حریفان را شکست دهید و قدرتان نامحدود می شود براینکه شما اینطور ذهن و جسم خویش را تلقین دادید. زندگی خیلی از انسانها در نظر بنده خسته کننده می باشد و همیشه محدود می باشند، مخصوصا ما افغان ها امروز جمعه است امروز شنبه است، آآن شکم خیلی پره، آآن گرسنه ام و هزاران جمله منفی دیگری که خود شان برای خویش ایجاد نمودند، و اراده شان را ضعیف می سازد. این نوع انسانها همه چیز را از خداوند می خواهند و هرگز در راهش سعی و تلاش به خرج نمی دهند. در نظر شما آیا خداوند چیزی به شما عطا میکند که شما لیاقتش را ندارید هرگز چنین نخواهد شد. مثال حافظه گوشی شما یک گیگابایت میباشد و شما می خواهید فایلی با حجم ده گیگابایت در ان ذخیره کنید که هرگز این کار نخواهد شد براینکه ظرفیت حافظه گوشی شما کم است، دقیقاً جسم، ذهن و روحتان چنین اند ولی توسعه مییابد که هر چقدر داخلش کار کنی همان قدر ظرفیتش افزایش می یابد، انهای که بزرگتر از ظرفیت شان آرزو دارند هرگز نمیرسند تا اینکه برای رسیدن به قلعه آرزوتان باید سخت تلاش کنید برای رسیدن به اهداف تان خود را آماده کنید و قابلیت های جدیدی روی خود ایجاد کنید اگر در خانه کس است یک حرف بس است. «تو همانی، که می اندیشی»



جسم انسان

به نام خدایی که انسان را خلق نمود، و اشرف مخلوقات قرار داد. این انسانها می باشد، که قلعه های بزرگ موفقیت و علم هستی را می آموزند، آیا شما فکر می کنید که انسانها بی مصرف و پست هستند؟ خیر اینطور نیست خواننده گرامی جسم انسان دارای راز های می باشد که بشر هنوز قادر به کشف اسرار درون خویش نگردیده، اما دنیا خود را طوری میسازند که تصورش را می کنند. یک لحظه تفکر کنید. اگر انسان تمام راز ها و پیچیدگی های دورن خویش را بشناسد به چی مقامی خواهند رسیدن؟ جسم شما منبع تمام انرژی ها و ماده های که با هم جمع شده و کارهای خارقالعاده انجام می دهد. اگر جسم خویش را سوپر کمپیوتر تصور کنید. آیا سوپر کمپیوتر قویتر خواهد بود یا جسم شما؟ براینکه خود انسان سوپر کمپیوتر را ساخته پس انسان از او چندین برابر قوی و پرسرعت می باشد. پس شما از هرچی که تصورش را می کنید بالاتر هستید. اگر به گویم از ملانک های آسمان با ارزش هستید که صد در صد هستید. اگر به گویم که بهترین تکنالوژی های پیشرفته در جسم شما قرار دارد که دارد. اما اینجا یک چیزی دیگری نیز میباشد عقل و شهوت شما، جسم شما بر پایه خوبی و بدی تنظیم گردیده همانطور که نظام جهان در هر عصر و زمان از این دو ماده خوبی و بدی استفاده می کند و همچنان جسم شما که همه عوامل خوبی و بدی را نیز می دانیم و از تکرار آن در اینجا خوداری می کنم. جسم انسان نوع کد نویسی شده که تغییر نمی کند، و هیچ فناوری قادر به درک کد های شما نیست. امروزه افرادی زیادی برای درک جسم انسان تعلیم میکنند. که می توانند در یک نگاه تمام جسم شما را مطالعه میکنند. و این از یک جهت بسیار خوب می باشد که برای انسان ها مفید واقعی می شود. اکنون ماشین های زیادی ساخته شده است که یادداشت های فراموش شده شما را مورد بررسی قرار می دهد و شما می توانید دوباره به یاد آورید. نیازی نیست که جسم خویش را از ماشین ها پایین تصور کنید. در مغز شما جای است به نام حافظه پنهان شما عمل میکند که تمام خاطرات فراموش شده شما انجا انتقال می یابد و ذخیره می شود. که انجام تمرین ها روانشناسی و سایر ورزشهای جسمی میتواند دوباره مورد استفاده قرار گیرد. آن دستگاه ها با قدرت الکترونیکی جسم شما را وادار به انتقال فایل های حافظه پنهان شما به حافظه اصلی شما هدایت می یابد و اینگونه میباشد که تمام خاطرات تان به یادماندن می شود. ذهن شما اگر گسترده شود جسم شما هم فناوری های جدیدی را به شما هدیه می دهد. اگر ذهن شما از حالت اصلی کمتر مورد استفاده قرار گیرد رشته های معلوماتی شما ضعیف می شود، و همچنان جسم شما قادر به انجام کاری نخواهد بود. اگر بر ذهن تان از روز قبل کار کنید هر روز به نهو عالی قویتر می گردد. آخرین سخن تلاش در فناوری تکنالوژی را داخل جسم خویش بیابید و از آن جسم تجارت فناوری را داشته باشید، شما خلاقتر انجام بهترین ها را به خود و به جهان هدیه خویش را تقدیم می کنید. وما توفیق الله بالله



دستگاه های اصلی بدن

از آنجاییکه همه می دانیم که عضو های مهم بدن کدام ها اند، زیرا هیچ عضو از بدن بیهوده و عیب خلق نشده است. هر عضو وظیفه خویش را مطابق کارش که به او سپرده شده است انجام میدهد. بالاتر از وجود انسان وجود طبیعت و ایکوسیستم هم چنین وظیفه های را به انجام میرساند. یکی باید پادشاه باشد دیگری باید گدا، یکی باید زنده بماند دیگری باید بمیرد، طبیعت هم همیگونه وظیفه خویش را انجام میدهد. در حسرت آن چیزهای نباشید که اکنون ندارید، شما برای بهترین ها خلق شده اید. درست زمانی این جمله را می توانید درک کنید، که به اعماق وجود خویش پی ببرید و به جسم تان دستور کار جدیدی را بدهید. می توانید هم در ظاهر و هم در باطن خویش تغییرات وارد کنید. در نتیجه شما میدانید یک قطره خون که از شما خارج میشود، چقدر مهم میباشد و از هراشتباه خویش جلوگیری می کنید. اگر ذهن و قلب تان را یک دستگاه فوقالعاده مدرن و بروز تصور کنید. و هر وظیفه را که در جریان شب و روز بهش اهدا شده به صورت عالی عمل می کند. اگر شما نمیتوانید در شب خوب خواب شوید نیاز نیست که دارو های نشه آور و یاهم خواب آور بخورید، شما توسط ذهن و قلب تان میتوانید روح خود را به سفر بی انتها روانه سازید کم کم شما در حال رویا دیدن می کنید. خواب شما مجموع رویا های شماست که به وجود می آید. اگر رویای مشخصی را راندازی نکنید شما نمی توانید. درست خواب شوید و هزاران نوع فعالیت های دیگر جسم و ذهن تان برای ورزش کردن عادت ندارد. این یک نوع خاموشی بودن و قابلیت انجام یک کاری را ندارید. اوقاتتان جور دیگر برنامه ریزی شده است و این بسیار خوب می باشد که برنامه های تان را عوض می کنید. درست بعد هفته ها تمرین شما این عادت را به خود، جسم، ذهن، قلب و روح تان یک وظیفه مشخص را ایجاد نموده اید. اگر شما از قشر پایین جامعه هستید و میخواهید به قشر بالا جامع سفر کنید، طبیعت شما و طبیعت بیرون شما را بشکل یک ویروس ضعیف می بینید، اگر شما ضعیف باشید طبیعت شما را حذف خواهد کرد، اگر ویروس باشید چالوسی می تواند کنج کنج آن را گیر کند ولی مدام نیست. پس باید دستگاه اصلی بدن تان را که عبارت است از جسم، روح، ذهن و قلب تان می باشد و بعد ها طبیعت مجبور و وعدار بر این می شود که شما را به گونه یی که دوست دارید همان جایگاه و مقام را میدهد. اکنون شما می توانید هر قشر طبیعت را برای تان انتخاب کنید و می توانید تجارت خویش را راندازی کنید و از وجود گوهر بار تان دیگران نیز استفاده خواهد کرد، هیچ یک از انسانها از روز تولدش همه چیز را یک دفعه یی نیاموختن. سوال های گوناگون، تلاش های پی در پی، شکست های پی در پی به شما شخصیت را که دنبالش هستید را عنایت می کند. فرزند پولدار، پولدار نیست این را همیشه بیاد داشته باشید. چرا؟ براینکه فرزند پولدار شکست، تلاش و هزاران تجربه دیگر را ندارد. طبیعت کاری می کند که عقب مانده ها را به عقب و آنهاییکه از عقب سر بلند کردن را به جلو هدایت می دهد. هر آرزو را که دارید فقط خودتان برآورده کرده میتوانید نه کس دیگری، **پس معطل دیگران نباشید از امروز شروع کنید و شکست ناپذیر باشید.**



جهان را چگونه تصور کنیم؟

تصور و حدس شما در مورد جهان هستی چی میباشد؟

جهان شما طوری ترتیب و تنظیم می شود همان طوری که شما فکر می کنید. جهان درون شما با جهان درون شما در ارتباط هستند، اگر شما در درون خویش تغییراتی را بوجود آورید در جهان خارج از محسوب کنید، و در راه پول در آوردن تلاش کنید در نتیجه جهان بیرون حرف شما را می فهمد و شما در نتیجه تغییراتی را در زندگی تان حس میکنید. اگر شما انسانهای را دیده باشید که در زندگی امید برای فردا ندارند نیز اینطور می باشد، آنها از درون خویش ناامید می باشند، و جهان بیرون آنها هم همان عمل را تکرار می کنند. پس تصور شما مجموعه از تحولاتی می باشد، که شما خواهان ان هستید. جهان از هر دیدگاهی متفاوتی شکل میگیرد. انسانهای عادی جهان خویش را خسته کننده و کوچک تصور می کنند و نتیجه جهان اصلی شان اتفاق می افتد. آنها می که جهان بیرون از خویش را درک نمودن به مراتب جهان شان از دیگران متفاوت می باشد. در مورد هر آنچه که انسان عادی نمیداند، اگر شما بدن خویش را تمام کاینات تصور کنید، و هر حجره از بدن خویش را یک ستاره خطاب کنید. پس در بدن انسان چقدر حجره وجود دارد، میلیاردها حجره وجود دارد که با تحولات فزیک و کیمیاوی این میلیارد ها حجره میمیرند و میلیاردها حجره دیگر جایگزین حجره های قبلی می شوند. در نتیجه جهان اصلی هم همینطور می باشد که بشریت این تحولات را پشت سر گذاشته اند. این کره خاکی که ما رویش زندگی میکنیم انتهای نیز دارد که انتها ان به خداوند (ج) معلوم می باشد. تجربیات که بشر نمی تواند، به ثبوت رسانند ان را نظریه خطاب میکنند تا زمانی که بشر بتوانند از ان در جایی استفاده کنند که به ان نیاز داشته باشند. مهم نیست، که چقدر نظریات و ایده ها وجود دارد، مهم زمانی واقعی میشود که ان نظریات و ایده ها را به واقعیت به ثبوت رساند. **از خود در جهان ایده و فکر باقی نگذارید، بلکه کاری کنید که می توانید ان را به سمر رساند، تا نسل بعد شما از مسیری که گذر کرده اید دیگران سریعتر گذر کنند تا به علم و دانش بیشتری برسند.** ان گونه که می اندیشید جهان تان را به واقعیت اش تبدیل کنید. افکار دورن شما جهان بیرون شما را میسازد. خداوند (ج) در قران کریم می فرماید: « وَ زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحَفَظًا » ترجمه { و آسمان پایین را با چراغهایی (ستارگان) زینت بخشیدیم } (فصلت - آیه ۱۲)

پس از این آیه قرآن کریم چنین می فهمیم که ما فقط در آسمان از ستارگان وجود داریم، و آسمان ها و زمین هایی که از ما دورند، چه شگفتی های خواهند داشت. شما باید در مورد هر آنچه خداوند خلق نموده تحقیق کنید تا بیشتر با جهان هستی آشنایی پیدا کنید و قدرت خداوند را به جهانیان به نمایش بگذارید. تلاش کنید تا بیشتر از حد کنونی خویش را بشناسید تا جهان هستی معنی دیگری بشما الهام کند. خداوند (ج) در جایی دیگر قرآن کریم می فرماید: « لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى » ترجمه (انسان بهره ای جز سعی و تلاش برای او نیست) (آیه ۳۹- نجم) تلاش و



کوشش شماست تا هر چیزی را که بخواهید با تلاش و کوشش به دست آورده می‌توانید، و این تلاش‌های مکرر بود که امروزه شب‌هایمان مثل روز درخشانند. و هزاران تغییر دیگر که از قرن‌ها بدینسو بشر شاهد عینی آن بودند. پس ای خواننده گرامی ما انسان‌ها هر کدام شگفتی و مهارت‌های خاص خود را داریم **پس نیازی نیست که با مهارت‌های دیگران حسودی کنیم ما باید مهارت خویش را دریابیم و آن شگفتی‌ها قدیم به خودی خود از بین می‌روند. بخواهید تا بشما داده شود.**

قدرت تفکر

اگر کاینات یک جهان باشد، بدن شما جهان دیگری و ذهن تان عالم دیگری می‌باشد. قدرت تفکر شما مجموعه از ارتعاشات که در مغز عبور میکند، به قدری قوی می‌باشد که میتواند یک شهر را باتمام وسایل برقی اش روشن نگاه دارد. در اینجا بحث در مورد قدرتی می‌باشد که تفکر تان آن را به وجود می‌آورد.

اصل قدرت تفکر تان چیست؟

اصل قدرت تفکر تان آن مجموعه از فهم و اندیشه‌های شماست، که دو جناح متفاوت دارد و هر روز گسترش می‌یابد، آن دو جناح طرز تفکر شماست که چه نوع فکر می‌کنید. «مثبت اندیش هستی یا منفی اندیش». طبق تحقیق دانشمندان ذهن شما می‌تواند به مدت ۲۵۰ سال ویدیو را ضبط کند. این یک تخمین می‌باشد که ذهن ما انسانها می‌تواند اینقدر داده‌ها را ثبت کند. این یک تست عمومی می‌باشد که بعضی از انسان‌ها چنین قدرت حافظه را ندارند، و در هر انسان عقل وجود دارد ولی بستگی به فکر کردن ما آدم‌ها دارد که چطور خود را برای یادگیری و حفظ داده آماده کرده باشیم. هر دستگاه ذخیره سازی با کل حافظه ولی این ذخیره سازی داده‌ها محدود می‌باشد، ولی ذهن شما فضا نامحدود می‌باشد می‌تواند بیشتر از هر ماشینی داده‌ها را ذخیره کند. پس بیاید ذهن و طرز تفکرمان را نامحدود خلق کنیم. در اندیشه این باشد که موانع را از جلوه تان بردارید، تا اینکه بتوانید بیشتر فکر کنید. انسان‌های قدرتمند خود را با جنگیدن با موانع حذر نمیدهند آنها بر موانع راهی میانبر می‌یابند و خویش را بر موانع غالب می‌سازند. خداوند (ج) در قرآن کریم در چندین بار بیان داشته که: تفکر، اندیشه، متذکر و تعقل کنید. در چندین آیات الهی این راز را می‌خواهد خداوند (ج) برای ما انسانها بیان می‌دارد که تفکر و اندیشیدن بهترین راه حل‌ها می‌باشد. شما فکر کنید تا حال هر تکنالوژی که ساخته شده قبل از کسی بوده که در مورد ساختش فکر می‌کرده. پس در نتیجه هر کار شگفت انگیزی که میخواهید انجام دهید قبلش باید عالی فکر کنید و با برنامه ریزی عالی پیش برید. پس قدر این {ذهن} که الان رایگان پیشت قرار دارد را بدان و از آن به نحوه احسن استفاده کن. در این جهان دو نوع انسان وجود دارد، یکی که می‌اندیشد و عمل میکند، دیگری که می‌اندیشد و هیچ عملی نمیکند. شما باید خویش را طوری عادت دهید که خیلی قوی و شکست ناپذیر هستید. آیا تفکر چند لحظه‌یی بهتر است یک شکست پی در پی پس این قدرت ذهن و تفکر شماست، که شما را از هزاران بار شکست نجات می‌دهد. ذهن تان را مشغول مفاهیم سرگرم کننده و



بی معنی قرار ندهید، ذهن تان را آزاد بگذارید تا بتوانید بهتر فکر کنید . اگر ذهن شما درگیر مسایل بی مفهومی باشد دیگر قادر به تفکر بهتر را کم کم از دست خواهید داد. همیشه خوب فکر کنید و نگذارید مفاهیم پوچ و بی اهمیت سرعت تفکر تان را کم کند. (شکسپیر میگوید که: **هر برده یی در دستانش لغو بردگی خویش را دارد**) پس شما هم می توانید ذهن تان را از بردگی مفاهیم پوچ و غلط نجات دهید. مثبت اندیش باشید و هر لحظه تفکرات تان را ۳۶۰ درجه در حال تغییر در یابید. **تنها تفکر نمودن شما را قوی و موفق نمسازد**، چیزی که شما را قوی و شکست ناپذیر خلق می کند، اراده شماست. اراده تان با ارزش تر از ان زحماتی است که بدون اراده قوی وارد میدان شده اید. پس در نتیجه اراده در هر کاری شما را هشتاد درصد به هدفتان نزدیک میسازد، بدون اراده شما در نامیدی به سر خواهید برد پس هر کاری را که آغاز اش با اسم الله متعال می باشد در این کار شما اعتماد به نفس بیشتری را برای انجام دادن ان خواهید داشت. قوی باشید تا بیشتر در همه ارثه های زندگی تان بهتر از هر روز بدرخشید. **«تو همانی که می اندیشی»** ما فقط یک بار زندگی میکنیم پس در این زندگی باید آینده فردا هایمان را باید خوب برنامه ریزی کرده باشیم. **تو تغییر میکنی.**



حجاب بهترین تحفه یی برای زنان

الحمد لله از آنجایی که همه ما مسلمان هستیم، و زیرپرچم اسلام زندگی میکنیم، قوانین و احکام الهی را در زندگی مادی و معنوی خویش که در آن خیر دنیا و آخرت در آن نهفته است که شاید بعضی از ما ها از آن بیخبریم. خداوند انسان ها را از یک زوج خلق نمود (مرد و زن) و برای ما انسان ها قوانین را حکم فرمود که خیری برای ما می باشد در این جا بنده در چند سطر در مورد حجاب بانوان می نویسم زیرا بر خود لازم دانستم تا شما عزیزان در مورد حجاب که **سپری است** برای بانوان صحبت کنم. یک داستانی در مورد حجاب یکی از برادران مسلمان مان در کشوری غیر اسلامی میزیست، و در جای که کار میکرد روزی رئیس اش که مسلمان نبود به قید و بند های زنان مسلمان از وی پرسید که چرا شما مسلمانها برای زنان این همه قید و بند را تحمیل میکنید، مگر شما نمیگید که مسلمان بودن یعنی انسانیت و آزاد زیستن پس چرا؟ این جوان یک لبخندی زد و گفت الان جواب شما را با بهترین شکل میدهم رفت توی آشپزخانه دوتا شکلات برداشت، و آمد جلو رئیس اش ایستاد یکی از شکلات ها را باز کرد از پوش پلاستیکی اش و دیگری را با پوش اش هر دو را به زمین انداخت جلوی رئیس اش و دوباره برشان داشت و به رئیس اش گفت کدام یکی از این شکلات ها را بردار، رئیس اش شکلاتی را برداشت که با پوش بود، و جوان از او پرسید چرا؟ اون یکی شکلات بی پوش را برداشتی؟ گفت معلوم است ان یکی شکلات فاسد میکروبی شده است به همین دلیل نخواستم بردارم. جوان لبخند زد و گفت حجاب هم نیز برای زنان مسلمان یکی از بهترین سپرهای است که آنها را از انواع گناه ها و نظرهای بد مردان محفوظ می دارد. پس بانوان عزیز حجاب برای شما زندان نیست، بلکه برای شما یک سپر دفاعی از حریم شماست. شما در بیرون از خانه به مراتب دیده اید، ان عده از زنانی که با مد و فیشن از خانه خارج میشوند بیشتر مورد نظر افراد بی شخصیت و بد قرار میگیرد. اما اگر زنی با حجاب کامل از خانه خارج شود، هیچ کس جرعتی این را پیدا نمیکند که با چشم بد به ان بانو نگاه کند. پس این شماست که ارزش خویش را با احکام الهی بیشتر میکنید. هیچ یکی از فرامین الهی نه برای زنان و نه برای مردان عبس تعیین نشده هر قانون الهی هم در این دنیا و هم در جهان ابدی خیر عظیمی را داراست. حجاب برای زنان قید و بند نیست! زنان و مردان آزاد خلق شده اند، و آزادی حق مسلم هر مسلمان میباشد. این مایم که خود را در قید و بند قرار میدهم، برای مثال اگر یک فرد در شهر کار خلاقی کند، دزدی، آدم روبایی و غیره ... که شما بهتر میدانید، آیا بعد دستگیری اون فرد مجازات نمی شود، معلوم است که اگر فساد اداری نباشد اون فرد مجازات میشود. پس در نتیجه خلاف فرامین الهی اگر ما مسلمان ها عمل کنیم، هم در این دنیا و هم در آخرت به سزا اعمال خویش میرسیم، براینکه حق ماست مجازات شویم اگر نشویم خداوند پس دیگر عدل نیست نعوذ بالله. بیاید در زندگی های خودمان این کار را بررسی کنیم، اگر فرزند شما در خانه کاری انجام دهد که هم برای خانه ضرر داشته باشه و هم برای سلامت اون فرزند و این



کار را چندین بار تکرار کند، آیا شما فرزندان را تنبیه نمیکنید؟ معلوم است که برای راهنمایی فرزندان هرکاری میکنید.

پس خداوند هم برای رهنمایی بندگانش پیامبران و کتاب های آسمانی را فرستاده و تا قیامت هم کتاب آسمانی «قرآن کریم» برای بشریت رهنما میباشد، اگر اصلاح نشدیم خداوند برای خودمان جزا های یا بهتر بگم تنبیه های را مهیا میکند، تا اینکه اصلاح بشیم و اگر نشدیم پس تا ابد در جهنم با دیگران همراه خواهیم شد. پس بیاید به کشور های غیر مسلمانی یک سیر در مورد زندگی های مشترک شان نظر اندازی کنیم. در جامعه کفری **آیا آمار ازدواج بالاست یا از طلاق؟، آیا آمار محبت و عشق زیاد است یا از هوس های شیطانی؟، آیا آمار امنیت بالاست، یا آمار انواع فساد های اجتماعی؟** و هزاران نوع سوال دیگر که شما بیشتر از همه اطلاع دارید. بخاطر یک اشتباه ببینید چی فاجع های در جامع ما روخ میدهد، ما همه مقصر این همه آفات و بدی هاستیم. زمانی که انسانها دین شان را از دست دادن یا به دین توجه کافی نکردند بالا ها خداوند برای اون فرد یا جامع ایجاد نمی کند، بلکه خود ان شخص مقصر میباشد. ما از جهان فزیک آموختیم که نیوتن قانونی را معرفی کرد، که در ان چنین میگفت «هر عمل عکس العمل دارد» پس این عمل ها برای همه ثابت شده است، اگر واقعا ما انسانها طبق دستور عمل های که دین اسلام بجا گذاشته عمل کنیم، هم این جهان و هم جهان ابدی برای ما بهشت خواهد بود. خداوند در قرآن کریم می فرماید «خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را» (سوره بقره - ۱۸۵) پس ای فرد مسلمان ما از هر نگاه جهان را بررسی نمودیم و فهمیدیم که همه چیز را خداوند (ج) به بهترین شکل و برنامه عالی خالق نموده این مایم که برای خلقت یک آفت بزرگ شدیم و مرتب قوانین الهی را زیر پا میگذاریم، و شاهد بالا ها و آفات های جدیدی میشویم. آآن خود شما تفکر کنید و از همین لحظه شروع کنید به حذف نمودن کارهای که باعث از بین بردن خود و جامعه میشود، و زندگی کنید طوری که قوانین طبیعت را بهم نریزد و اون وقت است که در جهان فانی صاحب بهشت میشویم و یک آینه از جهان ابدی را در این جهان مشاهده میکنیم. در جایی دیگر از قرآن کریم میخوانیم که «**هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده — و آن کس نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محروم گشته است**» (آیه ۹-۱۰ سوره الشمس)

حضرت علی (ع) فرمودند «دنیا گذر عبور است، نه جای ماندن، و مردم در آن دو دسته اند یکی آنکه خود را در دنیا می فروشد و به تباهی می کشاند، و دیگری آنکه خود را خرید و آزاد کرد.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳)

امید است که مطلب را تا حد امکان توزیع داده باشم، بیاید دوستان با شناخت خویش جهان خویش را تا جهان ابدی تغییر دهیم. «**زندگی دشمن شما نیست، ولی طرز فکرتان میتواند دشمن شما باشد**» (حضرت علی (ع))



قیامت

قیامت کی خواهد بود؟ این سوال فقط یک جواب دارد آنهم اینکه خدا می داند. ولی بیاید خیال پردازی کنیم و عواقب کارهای مان را بررسی کنیم. اگر خوبی کنیم خوبی میبینیم و اگر بدی کنیم بدی نتیجه میگیریم، مثل قانون نیوتن (هر عمل عکس العمل خودش را دارد) و هزاران مثال های دیگر ولی بحث اصلی ما در اینجا وجوب قیامت است همان روز واپسین یکی از علما وجوب قیامت را زمانی میدانند که انسانها به علم شان مغرور شوند، این جمله خوبی میباشد ولی نظر اصلی ما در مورد علم اینست که انسانها برای هر علتی معلولی می جویند و راهایی برای هر اتفاقی پیدا میکند، که در نتیجه فکر میکنند که می توانند جلو هر حادثه یی را گرفت و ان را به خوبی هستیم. ولی در کل همه در اشتباه کثیری به سر میبرند، و حرام خدا را حلال و حلالش را حرام میشمارند، که در نتیجه عمالی که مرتکب میشوند، نیز شامل بلاهای میباشد و این بلاها باعث آن میشود که به یک بارگی همه را از ریشه ختم و به نتیجه عمال شان گرفتار سازند. در جهان هر چیزی که خلق شده انتهایی دارد، و انتها همه چیز قیامت است. انسانها بیشتر در تلاش هستند تا بیشتر بفهمند و اختراع یا کشف کنند تا اینکه به این فکر کنند که آنها ابدی نیستند. ولی در کل اگر ما برای بشر خدمت کنیم و در راه دین اسلام خدماتی داشته باشیم، و دین خود را دوست داشته باشیم که در نتیجه ما موفق خواهیم شد که برای هدفی که خلق شده ایم، خود را به آن برسائیم. ولی در این جهان نیز کسانی هستند که نه از دین باکی دارند و نه میدانند که برای کدام مفهوم خلق شده اند، این ها کسانی هستند که جهان را به وحشت انداخته و هر روز به جمع آنها انسانهای جدیدی وارد میشوند و برای هر موجودی که در این جهان است مشکلاتی را ایجاد میکنند که در نتیجه همه اتفاق ها باید به کار های آنها خاتمه داده شود و جز انتها این جهان چیزی باقی نمی ماند، انتها این جهان قیامت است که خداوند خود بین انسانها و موجوداتی که ما نمیشناسیم قضاوت می کند و حق را به حقداران می دهد و به ظالمان بشارت جهنم را میدهد، و مومنین به بهشت جاوید بشارت داده میشوند. خداوند (ج) در قرانکریم می فرماید: «هر کس مرگ را میچشد، و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت» (سوره آل عمران آیه ۱۸۵)



چرا یک لحظه تفکر مفید واقع می شود؟

«تو همانی که می اندیشی» یعنی هر انطور که در مورد خود فکر کنی همانطور خواهی بود، پس به نحو احسنست به خود فکر کن تا یکی از بهترین های زمان باشی. اسم یک کتاب بود {تفکر بهتر، زندگی بهتر} اگر این کتاب را یافتید حتما مطالعه کنید، ما می توانیم از اسم این کتاب چنین نتیجه میگیریم، اگر طرز تفکر خویش را تغییر دهیم زندگی مان به طور عالی تغییر میکند. تاریخ شاهد هزاران انسان اندیشمند می باشد، که زندگی های عالی داشتند بر اینکه آنها به طرز فکر بسیار عالی داشتند. یک جمله محلی که میگفتند «هزار بار بیندیش، یک بار ببنداز» واقعا جمله عالی میباشد، و به ما انسان ها قدرت تفکرمان را به نمایش میگذارد. زندگی شما رفیق شماسست، و در زندگی همه ما قانون طبیعت نهفته است همان قانون نیوتن «عمل و عکس العمل» پس هر نوع که در مورد زندگی بهتر بیندیشید همان قدر زندگی شما بهتر خواهد شد.

فرق بین شخص فقیر و پولدار چیست؟

آیا هر دو شان انسان نیستند، پس چرا مقام هایشان متفاوت میباشد؟

جمله بی که همه تاجران و افراد موفق در مورد مردمان فقیر میگویند «آنها زهن های بسیار کم اندیشی دارند» در حالی که همه ما انسانها از یک نوع اصلیت هستیم، اما قدرت و اراده با تفکر های که ما برای آینده زندگی خویش می اندیشیم کاملاً با دیگران متفاوت میباشد. اگر شما طرز فکر یک انسان موفق را بررسی کنید، که همواره در مورد آینده و آیندگان می اندیشد، اما اگر طرز فکر فرد فقیر را ببینید می بینید که هیچ فقط صبح که از خواب بیدار شد تا شب دنبال لقمه نانی است که از پیش کدام انسان دریافت کند و آن را بخورد و هرگز به آینده خود و فامیل خویش نمی اندیشد، و از آنها که فرزندان نیز متولد میشود، از همان روز تولد تا لحظه که میمرند به آنها این تلقین داده شده است که **فقیر ند**. پس به کوشید که در افراد خویش کسانی را قرار ندهید که باعث کنندی و سرعت شما در کسب آرزو هایتان شود، محض دیدن این افراد در زندگی خویش فوراً اقدام به کناره گیری از این موع افراد شوید. من از چندین فرد فقیر پرسیدم که چه وقت شاه می شوی؟ جواب همه شان یکسان بود «تو دیوانه بی. این جواب همه افراد فقیر بود. چرا بر اینکه آنها ذهنیت هایشان را از دست داده اند و هرگز در مورد زندگی که خداوند برای همه خلق نموده است آگاهی ندارد، و در غفلت کامل به سر میبرند. بیشتر افراد موفق و ثروتمند که من زندگی نامه هایشان را مطالعه نمودم از روز اول پولدار نبودن، آنها تنها برتری که نسبت به افراد دوروبر خویش داشتند این بود که از دیگران متفاوتتر می اندیشدند و در راه کسب آرزو های که داشتند بیشتر زمان شان را در تلاش های شبانه روزی و شکست های که برای شان ایجاد می شود و دوباره به دنبال هدف های شان تلاش میکردند زندگی خویش را به نحو احسنست به پایان میگذارند. «یک کافر که برای همه بشریت کار می کند، بهتر از یک مسلمانی که در کوه ها به عبادت پرداخته است» در قرآنکریم چندین بار ذکر گردیده است که تفکر کنید، تعقل کنید و بیندیشید. آیا این تفکر کردن های بشریت به فایده است اگر می باشد پس چرا آنها بی که به این راز دست یافته اند به مقام های رسیدن و برای بشریت الگوی شدن. بیاید مثالی از تاریخ بشریت بزنیم که انسانهای بودن که موقع آخر زندگی خویش لحظه بی تفکر نمودن، راه و اسم خویش را از لیست انسانهای بد جدا و در لیست بهترین های تاریخ قرار گرفتن مثالی که میزنیم از (حر بن یزید ریاحی) کسی که آب را بر امام حسین (ع) و یارانش بست، لحظه ها گذشت زمانی که لشکر یزید لعنت الله خواستن امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت برساند دهم محرم در این روز پر از غم و اندوه، حر با خود لحظه بی تفکر نمود و فکر کرد که با کی دارد می جنگد، دید آن طرف نواسه رسول اکرم (ص) با اهل بیت شان می باشد کسی که رسول اکرم او را از خود خوانده، فرزند کسی که حیدر کرار نام دارد جانشین بر حق رسول اکرم (ص) و این طرف که دید چندین هزار نفر حرامزاده و سرلشکر شان هم یکی از حرامزاده ترین



کسانی تاریخ میباید، فوراً حق را دریافت کرد و از ناحق جدا شد و به لشکر سردار بهشت پیوست و حضرت هم بخشش وی را پذیرفت و در راه حق به شهادت رسید، تاریخ پابر جا باشد و زمان لحظه لحظه بگذرد اسم و نام این بزرگوار را فراموش نخواهد کرد.

زندگی این دنیا مهم نیست مهم بعد از تو میباشد که دیگران چطور از تو یاد میکنند، درست مثل لحظه امتحانات در مدرسه یا هم دیگر امتحانات ولی اگر درست درس نخوانی و به بهترین شکل برای آینده خود فکر نکنی و لحظه امتحان را به مسخره و شوخی میگذرانی ولی زمانی که نتیجه ات معلوم میشود صفر میباشد. پس چرا؟ نمی خواهیم یکی از بهترین شخصیت های جهان باشیم پس بیاید از همین روز جهان های خود را تغییر دهیم و کسانی را که بعد از ما می باشد باید از زندگی مان لحظه های زندگی خویش را تغییر دهند. خداوند آیات خویش را در کوه اگر نازل میکرد نوب میشد ولی انسان این آیات را پذیرفت انسان قطعاً در زیان است. مراجع شود به (آیه ۲۱ سوره حشر). حضرت علی (ع) فرمودند «فقر مرگ بزرگ است» (نهج البلاغه حکمت ۱۶۳)

اگر می خواهید خویش را در منزل موفقیت ببینید نیاز نیست به دنبال الگو ها و انگیزه ها بگردید برای خود انگیزه خلق کنید. خداوند انسان را برای این اشرف مخلوقات لقب داده زیرا انسان برای کسب آرزو های خود خیلی تلاش میکنند و بسیار در این راه شکست می خورد ولی در هر بار شکست در راه کسب موفقیت درس جدیدی به ما می آموزد مه هیچ انگیزه بی نمی تواند جایش را بگیرد. در این جهان و اطراف مان انسانهای وجود دارد که از قدرت و اراده ضعیف برخوردار هستند، این نوع انسانها به هیچ جایگاهی نمیرسند. شما در وجودتان این انرژی نهفته را دارید ولی باید بیابید که چطور وجودتان را با ماجراجویی های زندگی یکسان بسازید و قلعه های موفقیت را متصرف شوید. سفر کردن در زندگی انسان تغییراتی زیادی وارد میکند، بعضی از انسانها به نقطه های میسرند، که دیگران فکر این نوع بلندی های را نمیکند، و همیشه به دنبال خوشگذرانی و تنبلی میباشند. حضرت علی (ع) فرمودند «از تنبلی دور باشید زیرا انسانهای تنبل به آرزو هایشان نمی رسند» هیچ انسان در خاطرات نمی ماند ولی می تواند ماندگار باشند با کاری ها و خدماتی که برای بشریت میکنند. از لحظه های زندگی تان به نحو احسن استفاده کنید، و برای زندگی بهتر تفکرات خویش را بهتر کنید. خداوند در قرآن کریم می فرماید «بگو، در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند!» (آیه ۴۲ سوره نجم) به سفر کردن در نقاط مختلف زمین ادامه دهید عاقبت همه چیز را بنگرید و بیشتر فکر کنید تا بفهمید. انسانها برای آینده خویش از قلعه های زیادی باید بالا بروید تا اون پایینی ها را خوب ببینید و از همه چیز پند بگیرید. ما تلاش کردن را از همان روز اول آموختیم که با میلیونها اسپرم دیگر در داخل رحم مادر راه طولانی را طی کردیم تا به این جهان هم به زندگی خویش در شکست ها سرخم نکنیم و همه جا مقام اول برای شما بهترین ها میباشد. ما از روز اول شکست ناپذیر بودیم ولی اتفاقاتی که در زندگی رخ میدهد بعضی ها را از ریشه میکند و بعضی های دیگر مثل سنگ سرسخت و با تمام قدرت شکست ها را پشت سر میگذارند و پیروز و قهرمان می شوند. «تو همانی که می اندیشی» یا بهتر بگم شکست ناپذیر باشید.



اتفاقات تصادفی نیستند!

نا برده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت که جان برادر که کار کرد

شعر زیبایی است و همچنان مفهوم بسیار زیبایی میرساند. زندگی انسان با همه چی مواجه است، زندگی شما مثل یک سال مدرسه میباشد، اگر در طول سال زحمت به خرج بدهید و دیگر در روز امتحان استرس و مشکلی ندارید و نمی ترسید و تمام سوال ها خیلی خوب و عالی حل میکنید. زندگی شما هم چنین خواهد بود، کسانی که میخواهند در اوج پرواز و بلندی قرار گیرند باید اول چندین بار به زمین بخورید تا بیشتر در این راه عادت کنید و قدر زحمات خویش را بدانید. حالا فرق نمیکند که خودتان در این راه بلند شوید یا چندین نفر را در این راه نیز تشویق می کنید و در کل شما تمام جامع را نیز تشویق به موفقیت و لذت پرواز را به همه می چشائید. تلاش های شبانه روزی میخواهد، پس شما در حسرت این نباشید که شما موفق نمیشوید و یا هم در صدی وجود نداشته باشد. شما باید در این فکر باشید که در هر بار شکست شما چقدر قوی میشوید و اختیار دارید که دوباره شروع کنید. بنده در حال نوشتن این کتاب مشکلات زیادی را در جامعه و در خود میبینم، از قبیل جنگهای داخلی کشور، بسته شدن مکاتب دختران، و هر روز در کنج ولایات حادثه های دل خراش، بحران فاجعه بار اقتصادی، این مشکلات معمولا در هر نقطه از این جهان وجود دارد، در هر زمان مشکلاتی متفاوتی وجود دارد اما ما شاید وجود نداشته باشیم. این اتفاقات بر روی ما انسانها تاثیر بسیاری دارد، زمان پیشرفت معلوم نیست و همچنان زمان عمر ما نیز معلوم نیست. انسان موجود شگفت انگیزی میباشد در حالتی که باشد باز هم خوشحال نیست و می خواهد تغییر کند. خوش این نیست که شما پولدارترین فرد جهان باشید، خوشی اینست که در حالت غم دلیلی برای لبخند خود بیاورید. در بعضی از مواقع با خوشی ها و غم های دیگران شریک شوید و همچنان غم ها و خوشی های خود را به دیگران شریک سازید، پس در راه بدست آوردن آرزو هایتان متوقف نشوید، اگر آسان و ساده بود همه می توانستند موفق شوند این سختی هایش بارزشش کرده و گرنه ساده بودنش هیچ ارزشی ندارد. «زمانی که می خواهید یک کاری را انجام دهید، آینده آن را فکر نکنید بلکه آینده آینده آن را فکر کنید» حال را اگر ساختی آینده خودش ساخته می شود. شروع شما از روز خلقت شماست اما آخر و انجام شما لاینتهایی میباشد. زمانی که ادیسون لامپ را اختراع کرد تا حال و از حال تا آینده آسمش در این جهان باقی می ماند. مثالی برای زمان «زمان طول، عرض و عمق دارد، طولش همان چند سالی که عمر میکنیم، و عرض اش همان لحظاتی که بعد از ما به فکر و خاطره های آنها باقی می ماند ولی عمق زمانی که شما به وجود می آورید تا قیامت پا برجا می باشد» برای مثال کسانی که عمق دارند، پیامبران الهی، امامان معصوم، کتاب های آسمانی، دانشمندانی که برای بشریت خدمت کردن و انسانهای بدی که جان میلیون ها انسان را گرفتن، این ها نام مردم در زمان عمق خویش را گذاشتن. شما چطور لحظه زمانی را دوست دارید؟

این قانون جهان هستی میباشد، پس تعیین کننده حالت خویش خودتان هستید نه کسی دیگری، شما با اختیار کامل خلق شده اید پس زندگی هر دو جهان خویش طوری بسازید که حضرت حق خشنود باشد و ما راستگار. ریشه اصلی تمام ناکامی های ما انسان ها چند چیزی بسیار ناچیزی است، اول در کاری که می خواهیم انجام دهیم نه مشورت میکنیم و نه به عاقبت آن درست فکر می کنیم و دوم در یک شکست معمولی عقب میکشیم از کار خود. زندگی را باید از مور (مورچه) آموخت که از خود کرده چندین برابر خوراک را حمل میکند و دوم تاهر جایی که مقصدش باشد آن را میرساند. پس خلاصه کلام خواننده عزیز تو اشرف مخلوقات هستی چرا نمی توانی آرزو های خودت را به واقعیت تبدیل کنی.



خداوند به تو نسبت به تمام مخلوقاتش افتخار میکند و تو را اشرف قرار داده است تو چرا به خدای مثل اون که هیچ شریکی ندارد و بی نیاز از همه چیز است افتخار نمیکنی. درود خداوند بر تمام کسانی که عمر عزیزشان را فدا علم و دانش و در راه خدمت به خلق کردن. اللهم عجل لولیک الفرج

دانشمندان خادم بشریت اند، نه سرور شان

«عالم بی، عمل مثل زنبور بی عسل»

دانشمندان اکثر شان چنین میباشند، برای اینکه خدمت به خلق کنند خود را بلند و سرور مردم می دانند. این چنین می باشد که انسانها در وجود شان احساس بلندی میکنند، در حالی که هیچی در خرد در وجودشان وجود ندارد. یک دانشمند هر چقدر بر وجود و خرد او افزوده شود وی خود را در این جهان پر از علم و دانش کوچک حساب میکند. بدبختانه در بین مردم چنین احساساتی وجود دارد زمانی که از یک انسان برای کاری که کرده تحسین می شود، براینکه او تشویق شود و بیشتر تلاش کند، در او احساس سروری رخ میدهد و فکر میکند که بهترین خلق هستند. فرق بین انسانها چیست؟ انسانها با وجود اینکه طرز فکرشان متفاوت میباشد، از نظر روحی و روانی نیز درجاتی دارند. آنهایی که بیشتر تلاش میکنند بیشتر کسب میکنند و آنهای که آنقدر تلاش میکنند تا در زندگی زنده بمانند، همان قدر می دانند، و آنهای که اصلا تلاش نمیکنند نه خیری برای خودشان وجود دارد و نه برای دیگران و یک مصیبتی است برای آینده گان. کسانی که خویش را بلندتر از دیگران میدانند، به خدا قسم آنها نزد خداوند هیچ ارزشی ندارند. **خداوند بیشتر از عابد، عبد را دوست دارد.** چرا؟ براینکه عابد فقط یک کار را انجام میدهد فقط عبادت ولی عبد با وجود که عبادت میکند به کاری های اجتماعی خویش هم می پردازد، پس در نزد خداوند اونی که بیشتر تلاش میکند بیشتر مورد توجه خداوند قرار دارد. اگر خداوند انسانها را با یک عقل و هوش خلق میکرد، دیگر امروزی که این جهان را می دید اینطور نبود، جهان هیچ پیشرفتی کرده نمی توانست. می دانید چرا انسان اشرف مخلوقات لقب گرفته است؟ در بیانی حضرت علی(ع) چنین می فرماید «خداوند ملائک را خلق نمود و به آنها عقل را فقط داد، و یک وظیفه مشخصی به آنها داد، خداوند حیوان را خلق نمود و در وجود حیوان شهوت، شعور را قرار داد، و زمانی که انسان را خلق نمود در وجود انسان عقل، شهوت و شعور را قرار داد. اگر انسان از عقل خویش استفاده کند مقامش از ملائک بالاتر میرود و اگر اسیر شهوت شود مقامش از حیوان بدتر میشود و مقام پستی را دارا میشود» پس خویش را بسازید ولی هرگز تکبر نکنید. خداوند در قرآن کریم می فرماید «این بخاطر آنست که برای آنچه از داده اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید» (سوره حنید آیه ۲۳) پس هرگز شکر خداوند را فراموش نکنید و هرگز خود را بلندتر قرار ندهید، کوچک باشید کار های بزرگ کنید، خادم بشریت باشید و در داشت ها و نداشت های خویش غمگین و شاد نباشید.



خلقت برای خلق، خلق شده است

آغاز این مطلب با آیات قرآن کریم می باشد « او خدایی است که آنچه را از نعمت ها در زمین وجود دارد، برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت، و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود، و او به هر چیز آگاه است» (آیه ۲۱ سوره بقره) سپاس از خداوند جهانیان که هیچ مخلوقی شکر نعمت های او را به حد عالی بجا آورده نمی تواند. خداوند علم را دریا قرار داد و برای یادگیری علم بی پایان جهان به انسان نعمت همچو عقل را عنایت نموده است، پس از این نعمت بزرگ در استفاده کنید. این جهان که ما زندگی هر روز از اسرار عجیبی در مورد جهان و خلقت خویش آگاه میشویم و بیشتر به این پی میبریم که ما هنوز به اسرار درون خویش آگاهی کافی نداریم و این علم بزرگ هر روز گسترده می شود. همه چیز بر یک اصل و اساس بوجود آمده است اینکه همه ما انسانها اشرف هستیم، ولی بعضی از اشتباهاتی که ما مرتکب می شویم از مقام های ما کم میشود. اساس این جهان یک کلمه می باشد (اندیشه و تفکر)

خداوند (ج) نیاز به ذکر گفتن و عبادت کردن ما ندارد، این مایم که نیاز به کسی داریم که صدا های ما را بشنود و به گفته های ما ارزش بدهد. خداوند همه چیز را برای ما انسانها خلق نموده است تا به راز های هر نوع موجود یا مخلوق دیگر پی ببریم، و این راز در وجودمان قرار میگرد که خالقی وجود دارد تا همه این ها را هدایت و کنترل کند. ای دوست ما چرا نمی توانیم خدای خود را بیشتر بشناسیم؟ جواب ساده و آسان میباشد اول از همه باید به راز های وجود خود پی ببریم بعدا به بیرون از خود و جهان های موجودات دیگر به کشف راز هایشان بپردازیم تا نکته نتکه از جهان هستی به نامحدود ها شگفتی در وجود خود دارد پس در همین نکته متمرکز می شویم که این ها همه نیاز به خالق و مدبری دارد. مفهوم اینکه هر چیز برای ما خلق شده است، یعنی چه؟ از انجایی که انسانها قرن ها طول کشید تا به اندکی از راز های جهان آگاه شوند و به زندگی های خود توسعه دهند. راهایی زیادی را طی نمودن تا از وسایل بیجانی چیزهای ساختن که جان پیدا کردن و برای توسعه علم بشری بسیار پر کار بودن. این انسان است که حس فرمانروایی در وجود او نهفته است در هر زمان و هر مکان چرا که ما اگر به تغییرات و تحولاتی که در زندگی ما رخ میدهد پی نبریم در اون لحظه جهان هم به خواست های ما پی نمی برد و ما از غافله های پیشرفت عقب می مانیم. در موجودات زنده فقط انسانها است که می تواند توسط فکر و الهام از جهان هستی به کشفیات جدیدی پی میبرند. اونهای که فکر می کند و می اندیشند به چیزی که خواهان ان هستن دست می یابد ولی اونی که می گوید نیازی ندارد جهان هستی هم از او چشم میپوشد به سرعتی از این جهان حذف می شود. بهترین تحفه یی که خداوند برای بشر قرار داده مغز ما میباشد، این مغز جهانی میباشد خارج از این جهانی که ما در ان زندگی میکنیم، مغز انسان و توان فکر کردن او می تواند هر کاری را انجام دهد ولی این جسم شماست که خسته و کند می شود. جهان مغز شما نامحدود میباشد و جسم شما محدود میباشد و شما را محدود میکنند، ذهن شما به هر جایی میتواند سفر کند ولی جسم شما تابع طبیعت میباشد. اکنون انسانهای هستن در این جهان که آسمان ها و کهکشان های را کشف نمودن وبه آثار و شگفتی این جهان پی بردن، و نیز در این جهان انسان های می باشد که هنوز درست نمی توانند راه خونه خود را تا خانه همسایه دریابند، فقط یک تفاوت کوچکی تفکر، اندیشیدن و عمل پس از این وسایل شگفت انگیز اگر استفاده کنید طبیعت زیر فرمان شما می شود. در آینده نزدیک شما به اختراع های جدیدی آشنا می شوید ولی این شماید که می توانید از خود ماندگار بجا بمانید. «تو فقط یک بار زندگی می کنی» این جمله مفهومی بسیار بالایی رادارا می باشد، یعنی اگرچه ما نامحدود می باشیم ولی این عمر عزیزمان هست که شما را در قید زمان و مکان نگه میدارد. پس از چانس که اکنون در دست شماست خوب نه عالی استفاده کنید. از شکست های که در موفقیت کسب می کنید به این معنی است که شما قرار است از موفقیت خویش بیشتر کسب میکنید و این را بدانید که در بار اول از شکست خود را از دست ندهید شما خالق بهترین ها برای خود می باشید.



در این زمانی که شما زندگی می‌کنید در همین لحظه‌های که تک تک می‌گذرد برای هرکسی در هر جایی اتفاقاتی افتاده شاید اتفاقاتی در این زندگی برای کسانی رخ داده باشد که زندگی خود را فدا نمودن و به زندگی مرگ وابسته شده‌اند. شما قادر به از دست دادن هر چیزی هستید اما نه این که خود را از دست بدهید، اگر خود را از دست دادید این یعنی مرگ واقعی که دیگر بازگشتی ندارد. این نوع انسان‌ها ارزش انسان بودن را نمی‌فهمند و برای بشریت مایه ننگ حساب می‌شود. در این لحظه که اکنون این کتاب را می‌خوانید انسان‌های هستند که چندین بار در یک کار موفقیت آمیز شکست خوردن ولی دوباره، دوباره و همچنان در آرده خود پابرجا ماندن تا اینکه توانستن به موفقیت که خواهان آن بودن دست یابند. **خانواده تو دلیلی فقیر متولد شدن تو نبودن، بلکه تو می‌توانی دلیلی باشی برای موفقیت خانواده خود!** آنهایی که می‌خواستن بر مشکلات قالب شوند و در راه موفقیت خویش تلاش کنند، آنها دلیلی برای زندگی پیدا نمودن و مشکلات از پی هم به از بین بردن خود نمودن. این راز بقا موجودات زنده در روی زمین می‌باشد اگر مبارزه نکنید دیگری میاد جای شما را از زندگی تان حذف می‌کند. خویش را طوری بسازید اگر همه جا تاریک بود و به همان حالت ماند باید چشم‌مانتان از خود نور تولید کند و این نور گسترش یابد تا همه جا دوباره پر نور کند، و راه حقیقی این سراط برای همه آشکارا شود. اکنون تفکر کنید که برای چند لحظه یا ماه و سال تنها شده اید و از همه جا مشکلات غم و اندو بار شما میشود تا حدی که فقط می‌توانید به سختی نفس بکشید، راز این است که در این حالت ناامید نشوید و به دنبال درهای بسته بروید و با قدرت تمام آن درها بشکنید و وارد شوید تا همه بدانند شما نسخه خیلی قوی از قبل خود هستید. اینکه خداوند می‌گوید از مادر و پدر به شما مهربانتر یعنی زمانی می‌فهمید که واقعا در حالتی قرار بگیرید که فقط شما باشید و خدایتان. شما یک دانشمند بزرگی هستید و یک چیزی را کشف کردید یا ساخته هستید شما در مورد این وسیله که ساختید همه راز و رموزش را می‌دانید، و حال اگر به کس دیگری هدیه دهید و همان قدر میدانند که از او استفاده شخصی خود را بگیرد و حال اگر او را خراب کند و دیگر برایش ارزشی نداشته باشد و می‌داند که ارزشی ندارد برایش و این شماست که به ارزش واقعی او پی می‌برید، **خداوند کریم و رحمان شما را خلق کرده و میدانند که شما چقدر ارزشی دارید**، آیا شما هم تاحال به ارزش‌های خود پی برده اید و آیا برای خالق خود روزی را با شکر گذاری و شبی را با شکر گذاری به پایان رسانیده اید؟

آسمان بار امانت نتوانست کشید **قرعه کار بنام من دیوانه زدند**

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بند **چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند**

«حافظ»

آری انسانها امانت بسیار با ارزش و گرانبها را به عهده دارد و آنهم کتاب هدایت بشریت فرانحریم می‌باشد، و غیر از انسان هیچ موجودی دیگر قادر به عهده گرفتن این امانت نبود. ولی انسانها خیلی زیانکار می‌باشند، حقیقت آشکار و عیان را پنهان می‌دارند و صاحب بلاهای از آسمان شدن به پیشینیان فکر کنید. انسانها روزی خیلی پیشرفت میکنند چرا که جهان برای انسان‌ها خلق شده است. خداوند در کتاب آسمانی خود برای ما چنین می‌فرماید: «و اینکه انسان بهره‌ای جز تلاش و کوشش او نیست» (آیه ۳۹ سوره انجم) آری قرآنکریم با این همه عظمت و بزرگی رازی بسیار عالی را به می‌آموزد اینکه برای بدست آوردن چیزی باید سخت تلاش کنید. و در جای دیگر از این کتاب پیشرفت و علم جهان هستی خداوند چنین می‌فرماید: «این پاداش شماسست و سعی و تلاش شما مورد قدر است» (آیه ۲۲ سوره انسان) آری تلاش‌های ما در این جهان بیهوده نمی‌شود چه آنکه برای این دنیا باشد و چه برای آخرت خداوند حق ما را میدهد پس از امروز ما هم باید کارهای که خداوند برای ما قرار داده به درستی انجام دهیم، ما برای هدفی در این جهان خلق شده ایم و با تکمیل زمان و وظیفه خویش به جهانی که خداوند وعده داده قدم مگذاریم پس پیش از آن که زمان مان بگذرد از لحظه بصورت عالی استفاده کنیم تا آیندگان نیز بتوانند در این راه قدم نیک شان را بگذارند. **شکست راهی برای درک و ارزش بیشتر کارمان است.**



بزرگترین اشتباه نداشتن دین میباشد

انسانها از روز اول که به این جهان هستی قدم میگذارد تا زمانی که از این جهان فانی به جهان ابدی میروند، نیاز فطری در وجود خود دارد و این نیاز همان عبادت کردن خالق میباشد. ما برای از بین بردن غم و اندو و کنترل نمودن بیش از حد خوشی هایمان را به دیگران که به مسایل ما اهمیت خاصی میگذارد در میان میگذاریم. و انسان ها برای اینکه در این جهان راز دار خوبی را داشته باشد راز های خود را با خالق خویش در میان میگذارد، چرا؟ تنها کسی که به راز هایمان اهمیت میدهد و از آن خوب محافظت میکند تنها خالق ما میباشد. او نمی خواهد تا در مورد خوبی ها و بدی های مخلوقش دیگر مخلوقات آگاه شود. ما این ارتباط را با خدای مان از طریق دستورات دینی میتوانیم برقرار نماییم. نداشتن دین برای انسانها مثل این میماند که در بدن خویش روح نداشته باشند، و این دین میباشد که ما را به جهان هستی و ابدی آگاه میسازد. در این جهان همانطور که انسانهای با طرز فکر های مختلف وجود دارد، دین های نیز وجود دارد برای عده یی از انسانها و از نظر ما مسلمان ها تمام دین های دیگر بی اهمیت و کاملا اشتباه میباشد، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «تنها دین در نزد خداوند دین اسلام میباشد» (آیه ۱۹ سوره آل عمران) اسلام یکی از بهترین دین ها نسبت به سایر ادیان میباشد و از هر لحاظ بر دیگر ادیان برتری دارد. برتری دین اسلام بر سایر ادیان اینست که قوانین اسلامی در هر زمان برای هر مشکل بشریت دستوری دارد و تا یوم قیامت برای هدایت بشریت روشنی میکند. همانطور که هر علمی قوانینی دارد دین اسلام هم برای بشریت برنامه های تکمیلی نیز دارا میباشد و در کتاب آسمانی همه این دستورات نوشته شده است و آن کتاب همان قرآن کریم میباشد که هیچ مخلوقی قادر به تغییر و تبدیل آن نمیباشد و خداوند از این کتابش محافظت میکند. قرآن کریم کتابی میباشد که برای هر بشری در هر زمان و مکان دستور و برنامه یی دارد و اگر ما از آن پیروی کنیم راه مان به صراط مستقیم وصل میشود. خداوند در جایی دیگر از قرآن کریم چنین می فرماید: «و هر کس غیر از اسلام دینی را انتخاب کند از زیانکاران خواهد بود» (آیه ۸۵ سوره آل عمران)

از آنجایی که انسانها موجودات اجتماعی اند و همیشه با مشکلات دست و پنجه نرم میکنند. این مشکلات باعث میشود که زندگی بعضی انسانها به موانع مواجه شود، در هیچ نقطه یی از کره زمین وجود ندارد مگر اینکه آنجا اضطراب و نگرانی هم برای انسان وجود خواهد داشت. اولین قدم انسان بر روی زمین با مشکلات و غم ها شروع تا آخرین لحظه یی مرگ انسان. این جهان، جهان درس، عبرت و به تکامل رسیدن میباشد جایگاه های انسان ها متفاوت میباشد براینکه درک و فهم شان متفاوت میباشد. یکی از خطراتی نداشتن دین که قبلا ذکر مردم این بود، دانشمندان در قرن نوزدهم و بیستم به این باور رسیدن که انسانها را از دین شان جدا بسازند و با جهان علم آشنا نماید آنها به این باور بودن که همه این جهان علم میباشد و دیگر دین از نظر آنها بی فایده بنظر میرسید و نتیجه همان شد که تاریخ شاهد دو جنگ بزرگ جهانی شود که شما میتوانید زیان ها و خساراتی که از این دو جنگ برای انسانها باقی گذاشته در اینترنت آگاهی کسب کنید. و از این دو جنگ به بعد دانشمندان به این باور شدن که علم بدون دین تباهی به بار می آورد. انسانهای عصر امروزی هم از راه دین و هم از راه علم، خویش را به مقام های بلندتری می رسانند. و برای خویش و آینده بشریت خواهان بهترین ها میباشند، و در حالاتی که فشار ها برای آنها غالب گردید به دعا و نیایش میپردازند و دردهایشان را تسکین میبخشد و این دعاست که برای ما دریچه روحی و معنوی جدیدی را باز میکند.

دین و ایمان به خداوند برای ما چی کمکی میکند؟ دکتر ها و روانشناسان بزرگ جهان به این راز پی بردن که مرض های بزرگ که هیچ علاجه ندارد، دین و ایمان به خداوند کمک میکند که شخص مریض بصورت عادی و شگفت انگیز درمان می شود. دانشمندان به این راز پی بردن اعتقاد و باور بر چیزی این شگفتی را بوجود می آورد و آن چیز به صورت واقعی بوجود می آید. حرف ها و



گفتار های مان بروی هر چیزی تاثیر گذار میباشد ، اگر بگویم خوب است خوب می شود و اگر بگویم بد است همان چیز بد میشود. مواظب گفتار هایمان باشیم که چگونه با مردم معاشرت میکنیم، و از هر نوع شوخی و مسخره های که قلب های بعضی را آزرده میکند جدا خوداری کنیم ، بر اینکه زیادترا اوقات انسانها شوخی ها را جدی میگیرند و باعث از بین رفتن حالت روحی آنها میشویم. دین و ایمان به خداوند جهانیان به ما کمک می کند که از ناممکن ها بسوی ممکن ها رجوع کنیم و همه چیز را بصورت واقع بینانه مشاهده کنیم و از راز های وجودی او پی میبریم و دوباره به خالق شگفتی ها فکر میکنیم و به متوسل می شویم و خود را در جهان دیگری میابیم که با همه جهان های دیگر کاملاً متفاوت میباشد. ما اگر به گناهی آلوده شده ایم نتیجه همان اعتقاد ضعیف مان نسبت به خداوند جهانیان بوده چرا زمانی که روح مان ضعیف گردد جسم دیگر تحمل سختی ها و فشار ها را ندارد و از این راه جسم وارد وجودمان میشود و ما را از صراط مستقیم به راهای میبرد که بازگشتش بر ایمان دشوار خواهد بود ما همه تلاش بر این داریم که وجود خود را در هر حالتی مقاوم کنیم پس راه جز غیر از راه حق نداریم که به او پیوست بخوریم. دین چراغ هدایت ما میباشد مثل خورشید.

عمل نمودن بهترین میباشد

سخن آغاز همه چیز نیست، انسانها موجوداتی اند از عمل نمودن شان به کاری ، لاف و سخن های بی منطق شان بسیار میباشد. این سخن « عالم بی عمل، مثل زنبور بی عسل » در این جهان ایده دادن هیچ معنی ندارد. چرا؟ انسانها در عصر حرفه یی تکنالوژی زندگی میکنند، باید برای ما ظاهر آن چه وجود دارد ثابت شود نه خیال و تصور. در هر کاری که عمل نمودن با گفته های که گفته شده است به شکل عالی خاتمه میابد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: « و سخنانی میگویند که به آنها عمل نمی کنند» (ایه ۲۲۶ سوره شعرا) شما در چه رعه یی از انسانها قرار دارید وانی که زیاد میگوید و هیچ عملی نشان نمی دهد یا اونی که کم حرف میزند و عمل میکند در گفته هایش حرف و گفتار چیزی را ثابت کرده نمی تواند این عمل کردن و انجام رساندن کار در آن مورد حرف های شما را به اثبات می رساند. فرضاً شما دانشمند فضایی هستید و در فضا چیزی عجیبی را مشاهده نمودید و می خواهید وجود آن چیز عجیب و غریب را به همه ثابت کنید ولی شما نمی توانید فقط به گفته های خود وجود آن چیز را ثابت کنید ولی شما می توانید توسط آلات و وسایل به مردم وجود آن چیز را ثابت کنید. برای مثال دانشمندان اکنون به این باورند که سفر در زمان وجود دارد، ولی اگر این حرف را یک فرد عادی بگوید همه به این شخص میگویند دیوانه شده! چرا بر اینکه ایده و نظریه مهم نیست برای بشر وجود و حقیقت آن چیز مهم میباشد. اگر شما ۱۰۰ سال قبل می گفتید وسیله میسازم که شما می توانید تصاویر دوستان تان را در هر جایی از جهان باشد می تواند شما را ببیند و شما آن را می بینید بدون آنکه جایی سفر کنید صد سال قبل این ایده و نظریه واقعا احمقانه بود ولی آلان شما می دانید که چنین چیزی وجود دارد بنام های مختلف ولی ما میگویم فضای مجازی و اینترنت. هر کاری که شما میخواهید انجام دهید نیاز به فکر کردن و اندیشیدن دارد و باید مراحل را طی کنید تا به نتیجه نهایی برسید. آیا می دانید که بدبختی ما افغان ها در چیست؟ اینکه ما می توانیم خوب کار کنیم به شکل عالی درس بخوانیم ولی نمیتوانیم کمی بیندیشید تا از دیگران تقلید نکنیم و برای خود جدیدی را بوجود



بیاوریم ، درست است که در زمان های قدیم دانشمندانی داشتیم که عالم در نبوغ آنها حیرت میکردن ولی گذشته که مهم نیست مهم حال و آینده میباشد ما حال و آینده را می سازیم نه گذشته را . تا زمانی که ما زحمات شبانه روزی نکشیم و مطالعات فراوانی را در یک رشته خاصی انجام ندهیم ما نمی توانیم به آنچه می خواهیم برسیم پس ما نیاز داریم تا از ریشه خود را قوی کنیم و چندین سال و ماه را در زیر خاک بگذرانیم تا زمانی که سر از خاک بیرون میکنیم هیچ حادثه نتواند مارا از ریشه بکند ولی برگ و شاخه هایمان دوباره بوجود می آیند مهم ریشه های مان میباشد که باید چقدر قوی و محکم باشند. درست است که ما به ساز جهان نمی رقصیم ولی باید آنقدر قوی سازی را بسازیم تا چندین نسل دیگر نیز به رقص آیند. ما نسخه خیلی عالی از این جهان هستی هستیم ، ما ناممکن ها را برای همه ممکن می کنیم براینکه ما انسان هستیم ، **وسيله چون عقل و قدرتي مثل تفکر و اندیشه داریم.**

ما برای بهترین ها خلق شده ایم

انسان اسم عجیبی میباشد. از هر لحاظ بنگری معنی انسان میشود معنی کلمه انسان میشود فراموشکار. زندگی مجموعه از خاطراتی میباشد که در آن انواع مشکلات، سختی ها، تجربیات و خوشی ها جای گرفته است، بودن در بهشت برای همه خوشایند میباشد و همه کس طالبش میباشد، و در آن جا به زندگی ابدی خویش ادامه میدهد. جهان ابدی حرف ما نیست بیاید به این جهان فانی را ادامه دهیم تا پایانش. عمر شما همانطور که میگذرد دیگر به عقب برنمگردد و نه شما میتوانید خاطراتی که لحظات پیش داشته بودید برای شما برگرداند. طبیعت این جهان عمل پزیر و اثر گذار میباشد، برای انجام یک کاری باید یک بهایی را بپردازیم یعنی اگر شما می خواهید کار کنید باید از انرژی وجود خود را مصرف کنید و در مقابل کاری که میکنید مقدار پول بدست می آورید و برای اینکه چیزی را باید بخرید باید از پول خویش بگذرید و برای اینکه زندگی کنید باید از عمر عزیز خویش بگذرید. حال شما فکر کنید و می دانید که هر چیزی بهایی دارد ما رایگان در این جهان هستی چیزی را نمی بینیم. در این جهان انسانها بیشتر به دنبال آرامش و استراحت می باشد اگر در لحظاتی که ما در آن خوشحالیم فکر میکنیم که این جهان عالی میباشد و زمانی که غم ها و غصه ها زندگی مان را فرا میگیرد در این صورت هرچه دشنام است نثار این جهان می کنیم در حالی که مقصر اصلی خودمان هستیم نه جهان هستی . انسانها اکنون دریافتن که اگر ما در آینده چیزی را بخواهیم بدست می آوریم ولی باید گذشته را فراموش کرد و در حال تلاش نمود و برای آینده بهتری آن را کسب کنیم. مهم آلان شماست که از زندگی چه چیزی را میخواهید و برای کدام زمان میخواهید آن را داشته باشید. آینده خویش را طوری فکر کنید که اکنون قرار است برای شما اتفاق بیفتد به مشکلات و موانعی که اصلا وجود ندارد فکر نکنید، اگر شما بیشتر تلاش کنید و با هوشیاری کامل باشد شما آنچه را میخواهید کسب میکنید. هیچ چیزی برای ما از قبل وجود نداشته این ما هستیم که می خواهیم و آن را بوجود می آوریم. ما زمانی از زحمات خویش لذت میبریم که به موفقیت که واقعا در راهش تلاش نمودیم آن را کسب کنیم . دوستان عزیز برای ما مسلمان ها از



قرآنکریم فقط یک کلمه کافی بود و آنهم اولین کلمه‌ی که بر حضرت محمد(ص) نازل گردید این کلمه (اقرا) می باشد یعنی بخوان. ببینید اگر ما انسانها واقعا می خواهیم به هر چیزی از جهان پی ببریم باید از خواندن و مطالعه کردن در مورد آن چیز آگاهی خویش را کسب کنیم. این خواندن میباشد که اکنون در جهان ما کسانی هستند که به آسمان ها پرداختن و راز و رموز آسمان ها را مطالعه میکنند. بیاموزید، بخوانید، یادگیرید و یاد بدهید. کلیم کاشانی یک بیتی شعر دارد که می گوید:

قانون گردباد بود روزگار را جز خار و خش زمانه به بالا نمرود

گردباد وقتی که شروع میشود فقط چیزهای را از روی زمین بر میدارد که ناچیز و سبک میباشد، دقیقا این جهان اول انسانهای را از بین میبرد که ریشه های قوی ندارند. خود را بسازید با تمام توان و تلاش هرگز به این فکر نباشید که جهان به پایان میرسد، شما برای بهترین ها خلق شده اید، پس بهترین ها را انتخاب کنید و بهترین باشید با ریشه های قوی نه با قامت های بلند بدون ریشه!.

ما آینده می آموزیم، گذشته دیگر افسانه است

چه چیزی میباشد و چه چیزی های برای انسان ها مهم نیستند. همه ما میدانیم که از کدام چیزهای با ارزش در زندگی مان از آن استفاده کنیم و از آن نوع که برای ما زیان بار میباشد اجتناب کنیم. یکی از عوامل پسرفت های بشریت این میباشد که اگر نوآوری در جهان رویکرد شود همه به دنبال آن میرویم و خود از غافله نوآوری و تکنالوژی عقب می مانیم، و نمی خواهیم که در زندگی چند صباحی که در آن هستیم یک انسان نوآور باشیم. ما برای خود تاحدی دانش کسب نمودیم ولی به این فکر نکردیم که برای جهان چطور شکفتی خلق کنیم. تجربیات جهان با این اصل ثابت میباشد اینکه شکست در کار و چندین بار شکست برای این میباشد که ما به موفقیت خواهیم رسید ولی ما انسانهای که از نوآوری جهان عقب مانده ایم وقتی میخواستیم کاری را انجام دهیم بعد از چند شکست پی در پی دیگر متوقف میشویم و تا آخر به راه خود ادامه نمیدهیم و به دنبال راه دیگر میرویم، و آن راه را هم تا نیمه ها طی میکنیم بعد از رسیدن به موانع از آن هم دست میکشیم اینست که در هر کاری عقب می مانیم. «هیچ انسانی تنبل و ضعیف نیست، فکر انجام چندین کار شما را از پا در می آورد» در راهی که همه در آن شکست و ناموفق میشوند و همیشه هم برای همه ثابت شده که این راه فایده یی ندارد، پس ما نیز نباید در آن راه وارد شویم. نتایج کار شما در هر مکان و زمان تغییر میکند اگر شما در شهری هستید که مردمانش همه فقیر و بیچاره میباشد شما نمی توانید در آنجا کالا های را بفروش برسانید که از حد خریدش هیچ یک بر نه آید شما نیز در آنجا خسران میکنید و این حرف معلوم ثابت است، شما باید در کار و تجارت خویش مکان ها و زمان ها ببیند که در زمان مد چیست و مکان چه نوع مکانی میباشد. برای مثال آلان در این جهان همه به سوی فناوری و پیشرفت سوق می یابند ولی شما نمیتوانید در جایی که در آن فرهنگ اش مختلف و عادت و رسومات مختلفی



نسبت به محیط شما دارد در آنجا نیز همان وسایل را بفروش برسانید نمی توانید قطا شکست می خورید. علم و هنری را که امروز می آموزید فردا آنرا برای دیگران به صورت نوین هدیه دهید. همه جدیدترین ها را دوست دارند و این فطرت ما انسانها میباشد و هر چیز جدیدی در این جهان به مدتی برای مه لذت بخش خواهد بود. زمانی که کوچک بودیم اسباب بازی جدیدی که برای مان می آوردند برای مدتی خیلی ازش مراقبت میکردیم ولی بعد چند مدتی دیگر لذت خاص اون زمان قبل را برای مان نداشت. دقیقا جهان هستی هم چنین میباشد به نوآوری ها فکر می کنند و آن برای همه لذت بخش میباشد زمانی که دیگر نوآوری قدیمی میشود همه از او دلسرد میشود و این زمانی است برای ما انسانهای نوآور که خواست های همه را به جدیدترین وسایل مدرن و کاملا جدید و عالی برای جامع تقدیم میکنیم. اگر شما به وسایل که در قدیمی بودن و آلان که میباشد فکر کنید می بینید که تغییراتی زیادی را ایجاد نموده است و در مورد اینکه چطور برای آینده بیندیشیم تا جدیدترین ها را برای خود و دیگران هدیه دهیم. شما اگر برای امروز یاد بگیرید برای فردا شما سالخورده می شوید و اگر تا زمانی که عمرمان یاری میکند همش برای آینده فکر کنیم و تلاش کنیم در اصل ما جاودان خواهیم.

چگونه جهان را تغییر دهیم؟ یک نیروی بسیار مهم در وجود ما انسان ها سرچشمه میگردد، اینکه بیشتر به فکر جهان واقعی هستیم، و زندگی چگونه ادامه پیدا میکند. مردمان خستگی ناپذیر که شب و روز، شادی و غم برای شان مهم نمیباشد همه را میگذرانند، مهمترین حس موفقیت زمانی میباشد که شما از زمان که برای شما میباشد به صورت عالی استفاده کنید. و زمانی که میدانید برای شما خطر است در آن زمان به مطالعه آینده خویش باشید و برنامه نویسی کنید شما طوری زندگی میکنید که خودتان برای خود نوشته اید. هر انسان خواهان بهترین ها میباشد ولی دریافت نمیتوانند، عده یی از افراد این جهان هستند که هر چیزی را که بخواهند با اراده و قدرت عالی آن را میخواهد و جهان هم برای او همانطور میشود که خواهانش بوده و در این راه قوی و با اراده کامل وارد جهان خویش شدند. «تو همانی می شوی که میخواهی»

فضای مجازی

جهان در هر زمان تحولاتی داشته به خصوص این قرون آخر ۱۹،۲۰،۲۱ در قرون جهان شاهد هزاران تحولاتی بوده که بشر به اوج پیشرفت و بلندی رسیدن، اکنون که ما در این عصر زندگی میکنیم عصر فناوری و تکنالوژی میباشد و هر روز انسانها به جدیدترین نسخه یی از تکنالوژی دست می یابند و آن را توسعه میدهد. مهمترین و عظیمی ترین بخش جهان تکنالوژی اینترنت میباشد. این روزه هیچ کشوری وجود ندارد که از این تکنالوژی بهره یی نداشته باشد. و مهمترین بخش تجارت عظیمی از این جهان را بعهده دارد و یک نوع فضایی را ایجاد نموده تا همه چیزی بصورت واقعی بینانه بنظر برسد. این فضا مجازی که همه به او اسم میدهد هیچ چیزی در جهان وجود ندارد که دارای یک چهره و شخصیت باشد و دقیقا این فضایی مجازی از هزاران چهره برخوردار میباشد که هر کس در هر جا و مکان می تواند به هر نحوی از آن استفاده کند. در این زمانی که تازه اوج تکنالوژی حساب میشود شما می توانید به مراتب از زمان های قبل از هرچیز استفاده کنید در این جهان ما تنها نیستیم موجوداتی میباشد که در راز ها باقی ماندن و هنوز بشر قادر به کشف آنها نشدن. جهان اینترنت هم خصوصیات خویش را دارد هم بد و هم خوب ولی ما انسان ها اکثریت از ان به نحو عالی استفاده میکند که بتواند مشکلات خویش را با جهان اینترنت حل کنند. ما نمی توانیم مشکلات روحی و معنوی خویش را در اینترنت درمان کنیم ولی میتوانیم استادانی را در این زمینه پیدا کنیم تا برای ما مشوره بدهد و ما نیز میتوانیم که کسب و کار خویش را تا سراسر جهان توسعه دهیم توسط اینترنت و برای خویش کسب و کار جهانی داشته باشیم. شما نمی توانید جلو فساد را از این فضا مجازی بگیرید ولی



میتوانید برنامه های داشته باشید تا برای مردم مفید باشد. اکنون که بنده این کتاب را می نویسم یک نوع دیگر از تکنالوژی خیلی قوی قرار است به کار خود ادامه دهد و آنهم چیزی نیست، جز هوش مصنوعی که می تواند جایگزین انسان در هر کاری شود تا زمانی که شما این کتاب بدست شما میرسد شاید عجایب دیگری در جهان ما صورت بگیرد. پس ما به این نتیجه میرسیم اگر کاری نکنیم از جهانی که قرار است انسانهایش قلعه های آسمان را فتح کند ما عقب می مانیم. ببینید شما از این جهان چقدر عقب مانده هستید به همان قدر باید تلاش کنید تا به سرعت نور از همه کس ها پیشی بگیرید، هیچ چیزی در جهان هستی ناممکن نیست چرا که اسم این جهان هستی میباشد پس ما می توانیم به همه نشان دهیم که ما نسخه جدیدی را از این جهان هستی میسازیم. ما انقدر قوی کار میکنیم که می توانیم بدون نفس کشیدن هم زنده ماند اگر شما نمی دانید مشکل جهان شما نیست مشکل درون شماست که شما را از جهان اصلی تان دور کرده است باید دوباره خود را از قفس های تنگ درون به جهانی بدون سرحد برسانید. «تو میتوانی، چرا که مثل همه انسان هستی» برای رسیدن به آرزو های خود باید از عمر عزیزت بگذری و جهانت را به آینده گان تقدیم کن. تا برای همیشه جاوید باشی. ما می توانیم به هر چیزی از این جهان هستی پادشاهی خود را حکمروایی کنیم ولی این هم ممکن میباشد که دیگران با پیشرفتی که دارند بالای ما حکمروایی کنند. مثل خود انترنت که آآن بر همه چیز حاکم شده است، شما میتوانید بهترینی از اینترنت بسازید و برای این جهان نه بلکه تا سیارات دیگر نیز حکمروایی کنید. خودتان را توسعه دهید و همیشه در حال رشد باشید. این جهان به انسان های عادی اهمیتی نمی دهد شما هم به این جهان اهمیتی ندهید چرا که شما یک انسان عادی نیستید شما در وجود خویش نور الهی دارید و می توانید جهان را برای خود بسازید و آن را بهترینی برای آینده بشریت و انسانیت .



جنین

سپاس از خداوند جهانیان که در هر شگفتی هزاران شگفتی دیگر خلق نموده است، خدایی که هیچ وقت نمی خواهد بنده اش در سختی ها و مشکلات قرار داشته باشد و همه چیز را برای او خلق نمود تا برای او این زمین و جهان را قابل زندگی گرداند. برای ما انسان ها شرطی گذاشت آن اینکه هر که بیشتر تلاش نمود بیشتر کسب می کند و آنکه سستی نمود برای هیچ انسانی ارزشی ندارد. این جهان را این همه عظمتی که خلق شده نیاز به سالهای سال دارد تا بشر بتواند کنجی از این جهان هستی را مورد بررسی قرار دهد، ولی مهمتر از این جهان در درون ما جهان شگفت انیگری دیگری وجود دارد اگر یکی از عضای این جهان درست کار نکند دیگر زندگی مان به پایان خواهد رسید. ما در حال کشف شگفتی ها در کائنات هستیم در حالی که بدن ما بهترین شگفتی ها را دارد که هیچ دانشمندی قادر به پی بردن تمام راز های وجودمان نشده است. نظم و نظامی که در وجودمان حکم فرماست، از نظم و نظام جهان های هستی اساستر و با ارزش می باشد. یکی از راز های که ما باید بدانیم در این جهان کشف اسرار دیگر موجودات هستی می باشد و این کمک می کند تا ما بیشتر به خالق هستی پی ببریم. در این جهان همه چیز آغاز و پایانی دارد و آغاز جهان درون ما از همان مرحله پی جنینی صورت میگیرد، در این حالت می باشد که ما به داستان زندگی خویش پی میبریم و آن را می نویسیم. مهمترین رازی که در جنین نهفته است این می باشد که از همان حالت به جهان هستی در ارتباط می باشد و جهان هستی در لحظه لحظه او را مورد بررسی قرار میدهد. انسان ها قادر به این نیستند که جهان ابدی را تصور کنند و دقیقا طفل یا نوزاد هم نمی تواند جهانی را تصور کند که از رحم مادر به آن طرف می باشد. و این جهان درون رحم مادر برای او یکی از آرام بخش ترین جهانی است که کودک در آنجا حس میکند. ما در این جهان قدم گذاشته ایم که برای خود همه چیز را بدست بیاوریم ولی عده پی از ما انسان خود را ضعیف می شمارد و آنها از غافله بهترین ها عقب میمانند. ما تلاش و کوشش را از درون شکم مادر خویش آموختیم آن لحظاتی قبل از یکجا شدن اسپرم با تخمه در این بین اسپرم های که از پدر خارج میشود تعدادی میلیونها اسپرم همزمان خارج میشود در این بین فقط یک اسپرم میتواند خود را به تخمه برساند و آن یکی که خود را رسانده و در بین میلیونهایی دیگر آن یکی شماست که اکنون در حال خواندن این کتاب هستید، شما از همان لحظات اولی زندگی خود آموختید که قویترینی بین این همه اسپرم میباشید. این جهان هم به همان شکل می باشد ولی با یک تفاوت کوچک اینکه تمام انسانهای کره زمین مرحله اول زندگی خویش را به موفقیت به اتمام رساندن ولی اصل شکست ها و موفقیت ها در این جهان می باشد که شما بین میلیارد ها انسان چطور میتوانید خویش را به اثبات برسانید که شما نسبت به همه انسانهایی روی زمین میتوانید بهترینی باشید. خداوند در قرآن کریم بیش از شصت آیت در مورد خلقت انسان فرموده است که باید انسان ها اول به خلقت خود پی ببرند و بعد به جهان شگفت انیگر موجودات دیگر. اگر شما میخواهید به منزل های بالاتری صعود کنید باید از همان پله ها اولی شروع کنی و یک مرحله را پشت سرم هم به پایان برسانی تا بتوانی به بالاترین نقطه های جهان دست یابی. همه ما انسان ها این حق را داریم که خویش را بشناسیم و به شگفتی ها که در درون ما وجود دارد پی ببریم، عده پی از ما انسان ها توانستند که خویش را بشناسند تا یک حدی چرا؟ بر اینکه آنها خواستن تا خود را بشناسند و تلاش نمودن و در راه کسب معرفت شبهای را تا به صبح پشت سر هم گذاشتن تا مقداری از این جهان هستی آگاه شدن ولی عده پی زیادی از ما انسان هستند که هنوز نمی دانند چه نوع موجودی میباشند و مثل حیوانات یا بدتر از حیوانات زندگی میکنند. میدانید اولین سوره پی که خداوند برای پیامبر ما نازل فرمود در مورد خلقت ما انسانها می باشد و این سوره برای یک انسانی که اندیشه می کند تا قیامت و در جهان ابدی کافی می باشد آن سوره بنام (علق) یاد میشود، که از اسم آن معلوم میشود که اصل خلقت ما از چیست. اولین آیه پی که ما می خوانیم از این سوره چنین می باشد. «اقرأ باسم ربک الذی خلق» ترجمه: بخوان به اسم پروردگارت که خلق نمود. اگر ما انسان ها با تمام وجود به شگفتی این آیه فکر کنیم میتوانیم جهان های را با قدرت علم تصرف کنیم و این عالم هستی را طوری می



خواهیم همانطور شکل میگیرد برای ما . اگر شما خیلی دوست ندارید که بیشتر از یک آیه را بدانید، فقط کافی است که به کلمه اول این آیه عمل کنید همان کلمه (اقرأ) به معنی بخوان . من معتقدم که برای بشر فقط همین یک کلمه کافی بود چرا ؟ علم زمانی توسعه مییابد که شما به خواندن آغاز کنید و این خواندن مییابد که شما را از هر نوع موضوعی آگاه میسازد. ما انسان ها هنوز از یک کلمه این کتاب الهی بیشتر نمیدانیم و تمام این جهان و عالم را که می بینید همه این ها به یک کلمه یی از قرآنکریم ختم میشود و این مایم که هنوز هم نمیتوانیم بیشتر از یک کلمه درک کنیم. پس ما می توانیم هر آنچه که در این جهان وجود دارد با خواندن راز های وجود او همه چیز ها را بفهمیم . پس راز تمام این جهان خواندن مییابد در مورد هر آنچه که می خواهیم. ما انسان ها هنوز خیلی از این جهان علم و معرفت عقب هستیم، باوجود اینکه همه ما قرآنکریم را خواندیم و همیشه هم می خوانیم و قاری های داریم که تمام این کتاب آسمانی را حفظ اند ولی ما فقط به ظاهر این کتاب آسمانی پی برده ایم، هنوز هیچ انسانی قادر به درک قرآنکریم نشده بجز! پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) درود خداوند بر او باد، و اهلنبت آن حضرت که اولین شان حضرت امیرمومنین علی بن ابیطالب و آخرین شان حضرت مهدی(عج) مییابد. دیگر ما انسان ها نیاز داریم که بیشتر در مورد کلام خداوند تفکر کنیم و بیندیشیم تا بتوانیم به راز های دیگری از کلمات الهی پی ببریم.

روزگار و تاریخ به انسانهای اهمیت میدهند و آنها را در خود جاودان نگاه میدارد که به شب و روز در تلاش برای آینده بشریت و انسانیت بودن. در قرآنکریم در آیه دیگری از سوره علق خداوند متعال می فرماید «خلق الانسان من علق» (همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد!) در این آیه خداوند به بنده گانش توسعه میکند که خود را بشناسند که از چه چیزی خلق شده اند و بعد به کجاها رسیدن، شناخت خود به ما کمک می کند تا از اسرار تمام این خلقت آگاه شویم و از خواب غفلت برخیزیم و برای جهان ابدی توشه ای آماده کنیم. انسانها به مقدار دستاوردی که دارند نباید متکبر شوند در هر لحظه یی از زندگی تکبر و غرور باعث می شود که انسان مقامی را که در نزد خداوند کسب نموده آن را به یک چشم بهم زدن از دست بدهد، مثال خویش شیطان مییابد با مقامی که داشت به یک لحظه یی تکبر در وجود خود از آسمان خداوند به عمیق ترین جای جهنم رسید و تا ابد در همانجا می ماند. انسان به راستی جایگاهی خاصی در نزد خداوند دارد ولی ما انسانها با گناهایی که در روی زمین انجام با فسادی که در روی زمین انجام میدهیم ، ما در اصل بخود ستم میکنیم و خویش را از رحمت و مغفرت الهی دور میسازیم، خداوند برای هدایت ما انسان ها پیامبرانی را فرستاد ولی ما نیز به راه غفلت خویش ادامه دادیم تا اینکه خداوند در روز محشر اعمال مان را مورد دیدگان همه انسانهای روی زمین اشکار کند و راه نیکان و بدان را از هم جدا کند و همه را به جایگاهی که واقعاً حق شان مییابد میفرستد. ما انسان ها از روز اول چیزی نبودیم یعنی ارزشی نداشتیم و خداوند برای ما تمام هستی را قرار داد تا بدانیم که اگر بخواهیم ما اشرف مخلوقات هستیم، اگر تفکر و اندیشه نه نمودیم از بدترین مخلوقات این جهان خواهیم شد.

خداوند در قرآنکریم می فرماید « آیا انسان به خاطر نمی آورد، که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟» (آیه ۶۷ سوره مریم) انسان در اصل جایگاهی ندارد زمانی که ما بر اینکه جایگاه خود را در نزد خداوند ببینیم، باید از احکام الهی پیروی کنیم و حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام بدانیم و به آنچه خداوند بما دستور داده است عمل کنیم، این زمانی مییابد که خداوند از ما امتحان میگیرد اگر در امتحان خویش موفق شدیم از درجه قبلی ارتقا می یابیم و در مقام نزدیکتری در نزد خداوند جهانیان قرار میگیریم. یک غفلت از انسان باعث پایین آمدن چندین مقامی که کسب نموده بودیم میشود چراکه شیطان نمیخواهد به خدای خویش برسیم و او همیشه مارا در غفلت نگاه میدارد ولی این نور ایمان در دل های ماست که نمی تواند مارا از راه رحمان دور بسازد. زمانی که وجودمان را تکبر و غرور احاطه نمود باید فقط به یک چیزی فکر کنیم و آن هم اینکه از چه خلق شده ایم و برای کدام هدفی در این جهان زندگی میکنیم. اگر قدرتی نداشتیم که فکر کنیم و هدف اصلی خویش را دنبال کنیم بدانید که از دسته غافلان این جهان میباشیم. انسانهای هستند که برای هر چیزی تا



آن را بدست بیاورد تلاش میکند و این تلاش ما بیهوده نمیشود و خداوند احسان هیچ بنده خویش را قبول ندارد و به انسان بعد تلاش و زحمتی که میکشد آرزو او را برآورده میکند اگر این جهان پاداشی وجود نداشت برای ما در جهان ابدی برای ما عطا میکند و از آن میتوانیم تا ابد استفاده کنیم. جهان هستی طوری برنامه ریزی شده که هر چیزی را کشت کنیم همان را درو میکنیم. حال شما مختار هستید که چه نوع بزری را کشت می کنید نیکی ها را یا بدی ها و فساد ها را!.

نقطه بی دیگری که باید همه ما انسانها بدانیم اینکه همه ما مورد امتحان الهی قرار میگیریم انسانهای مومن پاداش خویش را در جهان ابدی و انسانهای که کافر و هستند پاداش خویش را در همین جهان فانی بدست می آورند و تمام میشود. برای مثال انسانهای که در این جهان سخت تلاش نمودن و به جایگاهی خود را رساندن و به آرزو خویش بعد چند سالی رسیدن و تا آخر عمر از آن بهره مند بودن ولی برای آخرت خود چیزی نداشتن و تمام ولی ما مسلمانها هم برای این جهان تلاش و زحمت میکشیم و هم برای آخرت خویش پس در هر حالتی ما قویتر از آنها هستیم که فقط برای این جهان کار میکنند. در جایی دیگری از قرآنکریم خداوند چنین می فرماید: «ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم» (آیه ۲ سوره انسان) پس ما با خواندن این آیه می فهمیم که همه انسان ها مورد امتحان الهی قرار میگیریم نه تنها مومنین. پس شما دوستان عزیز اگر می خواهید موفق و مقام بالایی را داشته باشید باید این کار انجام دهیم به آنچه که به ما داده میشود فخر نکنیم و به آنچه از ما گرفته میشود غمگین نباشیم چراکه شاید امتحان الهی باشد و همیشه به یاد داشته باشید که خداوند با صابرین هست، ما می توانیم این چند صباح زندگی مان را به بهترین شکل ممکن به پایان برسانیم و تلاش های که برای جهان ابدی نموده ایم کسب کنیم. این جهانی که ما زندگی می کنیم جهان تلاش و پاداش میباشد ولی جهان ابدی فقط جهان پاداش و جزا میباشد، پس ما دیگر نمی توانیم در آن جهان چیزی را کسب کنیم و برای تغییر حالت مان تلاش کنیم همانی میشود که ما در این جهان کشت نموده ایم. خداوند ما را در امتحاناتی این جهان و جهان دیگر موفق و کامیاب بگردان ، ما را از گروه صالحین قرار بده، خداوند ما می دانیم که نمی توانیم در برابر شیطان و فریب هایش مقاوم باشیم خداوند ما را با نور ایمان خویش از شر شیطان و یارانش محفوظ بدار. خداوند ما درک معارف کتاب آسمانی خویش را عطا فرما.

اینست جهانی که ما در آن توسط اندیشه و تفکر از لیست بدترین ها به بهترین های روزگار تبدیل می شویم، در این جهان ما نباید در خاطرها بمانیم چرا که انسانهای که خاطره های ما را داشتن به زودی باهم در خانه خاک ملاقات می کنیم، ما با خدمتی که برای خود ، خانواده و برای تمام بشریت که انجام میدهیم در روزگار تا ادامه داشته باشد ما ماندگار خواهیم بود، مثل دانشمندان برجسته و آنهایی که با اختراعات شان جهان بشریت را تغییر دادن و بخصوص پیامبرانی و امامانی که با چراغ های هدایتی که در دست داشتند ما را نه تنها در این جهان ماندگار ساختن بلکه در جهان ابدی نیز ما را از صالحین قرار دادن. این زمان شماست نباید آن را به مفهوم هدر داد. موفق و سر بلند باشید در امتحاناتی که هم در این جهان داریم و هم در راه جهان ابدی، ما می توانیم هر آنچه را که می خواهیم بدست بیاوریم، ولی! نمی توانیم جایگاه های دیگران را بگیریم ما فقط می توانیم در جایگاهی که داریم توسعه یابیم.



یک نقطه در مورد جهان

شب و روزهای در این جهان را فرض کنید که نمایشی از یک فیلم میباشد، و در این فیلم شخصیت‌ها و کراکترهای زیادی نقش‌های مختلفی را بازی میکنند بیشتر در فیلم آن شخصیت‌های خوب نمایش داده می‌شوند که در فیلم نقش اول را بازی میکنند. آلان بنگریم در این جهانی که ما اکنون در آن زندگی میکنیم همینطور میباشد، افرادی که بیشتر در نقش خویش میدرخشند مورد تحسین همه قرار میگیرند. شما در این جهان چطور نقشی را ایفا میکنید؟ در این جهان آن عده از افرادی مورد توجه بیشتر افراد قرار میگیرند که برای نقش خویش موفقیت کسب نمودن و بیشتر تلاش و کوشش نمودن و نظر همه را بخود جلب نموده اند. شما فکر کنید که فرق بین تو و آن کسی که در روز میلیون‌ها پول بدست می‌آورد چیست؟ اینجاست که فقط یک نقطه در مورد این سوال به ذهن مان میرسد و این یک نقطه میتواند خودمان و چهار طرف محیط مان را نیز تغییر دهد. آن اینکه در این جهان شکست پذیر نباشید در راه موفقیت، دانش و کسب مهارت هایتان. زندگی را باید از مور(مورچه) آموخت. اگر مورها بخواهند تمام زمستان را در نعمت و آرامش خاطر سپری کنند باید در گرما تابستان بیش از حد تلاش کنند و غذا کل زمستان خویش را نیز در این چند ماه تابستان فراهم نمایند. چرا ما انسان‌ها به این نمی‌اندیشیم، که این جهان برای افراد ناکام و شکست خورده جایی ندارد، تنها کسانی در این جهان ابدی میشوند، آنهایی که برای آینده خود و بشریت تلاش نمودن تا نسل انسان در روی زمین پابرجاست آنها نیز یاد خواهند شد. اگر می‌خواهی که روزها و شب‌های آینده را به شادی و استراحت به سر برسانی باید از استراحت و آرامش کنونی دست برداری! این زمان توست حال آینده در حالی تغییر می‌یابد حال خویش را اگر ساختی آینده نیز به همان روال خوب پیش میرود. **برای انسان‌های موفق در هفته هفت امروز وجود دارد و برای انسانهای عقب مانده در هفته فقط فردا دارند، در حالیکه اون فردا هرگز قرار نیست بیاید.**

من از شما یک سوال میکنم، زندگی شما برای خودتان است یا برای دیگران؟ جواب همه شما اینست که نه زندگی مان برای خودمان میباشد. خب آلان که شما همه اقرار به این کردین که زندگی برای خودمان میباشد، پس آلان این تویی که چطور تصمیم میگیری در مورد زندگی خودت، که چطور زندگی کنی. همه ما انسان‌ها در این جهان به دنبال بهترین‌ها هستیم، ولی عده‌یی از ما انسان‌ها به همان مقداری که میخواهند دست می‌ابند، این جهان به عمل‌های خودمان نگاه میکند اگر ما بهترین‌ها را می‌خواهیم باید بهترین تلاش‌ها را انجام دهیم تا به اون بهترینی که می‌خواهیم دست یابیم. بنده تاریخ را مطالعه نمودم که انسان‌ها آهسته آهسته به سوی بهتر شدن زندگی شان بودن ولی در این قرن که ما زندگی میکنیم، قرن فناوری و پیشرفت همه برای آینده هایشان برنامه دارند نه برای اینکه چطور اشتباهات گذشته شان را جبران کنند. هیچ کس نمیتواند برای شما زندگی کند شما هم نمی‌توانید برای دیگران زندگی کنید. جهان تان را طوری بسازید که واقعا شما دوست دارید در آن زندگی کنید. این سوال را از خود همیشه کنید که چرا من بهترین نباشم؟ شما می‌توانید با جواب دادن به چراهای زندگی تان هر روز از قبل بهتر و بهتر شوید. هر روز با قدرت و انرژی کامل صبح‌گاهی به زندگی جدید سلام کن و اصلا در مورد دیروز خویش فکر نکن و با تمام قدرت به دنبال آرزو هایت باش تا کائنات بفهمد که شما هم توان این را دارید که بهترینی برای این بشر باشید. همیشه برای جهان بیرون خویش انرژی را بفرست که تو می‌خواهی دیگران به تو آن را بدهد، برای مثال نگو این کار شدنی نیست! بگو من با تلاشی که میکنم می‌توانم آن را به بهترین شکل ممکن انجام دهم. و هر روز در همه مراحل زندگی خویش پیام‌های را بفرست برای جهان خود که او از شنیدنش به شوق آید و برنامه‌های شما نیز مطابق هدف هایتان باید پیش برود. **آن‌های که در زندگی انرژی‌های منفی ارسال میکنند واقعا زندگی افتضاحی دارند، شما چه نوع انرژی برای جهان تان ارسال میکنید؟**



زندگی با خواب

آن روز همه به این فکر کردن که چطور می توانم دوباره به پا خیزم، و فاجعه بزرگی که برایم رخ داده بود را کنار بگذارم و دوباره به دستان خویش آینده خود را بنویسم. فکر کنید دوستان انسان نیاز به پیشرفت و موفقیت دارد، آنهایی که تا نیمه های راه را رفتن ولی نمیدانستند یک لحظه بی دیگر میتوانند با موفقیتی دست یابند ولی متوقف شدن، و حریف های که در این راه داشتن ادامه دادن به راه خویش حتی خیلی کند بودن ولی متوقف نشدن و آنها با سرعت بسیار کمی توانستن به موفقیت خویش دست یابند. فرق تو با دیگران چیست؟ همه در آن لحظات زندگی در خوابی بودن که اصلا وجود ندارد ولی شما در آن لحظه به نوشتن داستان زندگی تان ادامه دادید و به چیزی که میخواستید رسیدید. برای خود داستانی از زندگی خویش بنویس که با هر بار مرور کردنش در ذهن خویش، شما را از قبل پر انرژی وارد جهان موفقیت تان کند. این جهان به عمل های که انجام میدهید عکس العمل نشان میدهد، فکر کنید که از روز اول که آب ناچیزی بودید آلان با چه شخصیتی زندگی میکنید. این اندیشه و تفکر شماست در مورد زندگی تان اگر خویش را همیشه تنبل و ناچیز فکر میکردید جهان هم شما را از لیست موجودات عالی حذف میکرد. هدف ها و آرزو هایتان را در یک صفحه پاک و تمیز بنویسید و بهترین دیزاین را به این صفحه موفقیت خویش بدهید اول از همه آن هدف های خویش را در آن بنویسید که واقعا از همه هدف هایتان بهش نیاز دارید بعد همینطور یکی یکی به پایین هدف های خویش را بنویسید و زمانی را نیز برای وقوع هدف خویش مشخص کنید، که مثلا شما تا سال آینده می توانید این هدف خویش را به واقعیت تبدیل کنید. آیا میدانید که هیچ کس برای شما زندگی نمیکند، پس این همه نگارنی در مورد زندگی خویش چرا دارید، شما هدف هایتان را برای خود دارید و فقط برای شما ارزش دارد پس هیچ وقت هدف هایتان را به هرکسی نگید که شما را از راه تلاش تان باز میدارد. تو نیازی نداری که خود را برای همه ثابت کنی که فرد موفقی هستی، تو فقط برای خود خود را ثابت کن که می توانی به هدف هایت دست یابی حتی به پای مور هم که شده، هرگز متوقف نشو همیشه در حال حرکت باش، این حرکت اگر آهسته هم باشد شما را به آرزو هایتان میرساند. در این راه موفقیت عده کمی از افراد به حرکت کردن ادامه میدهند تو هم می توانی آهسته آهسته از همه شان جلو بروی و بعد چند مدتی که این راه را طی نمودی میبینی که به جایگاهی رسیدی که هیچ کس نمی تواند به جایگاه تو برسد. از هزار رویا و آرزوی که در ذهن داری و برایش تلاش نمیکنی یک آرزو مهمتر است که واقعا برایش تلاش میکنی! **یک نقطه جالبی از بیل گیتس خاطر آمد** «من در درس هایم خوب نبودم و نتواستم به دانشگاه راه یابم، ولی دوستانم همه از من جلو زدن و به تحصیل های شان ادامه دادن، آنها ذهنیت های عالی داشتن ولی من مفکوره های عالی، آلان من رئیس شرکتی هستم که آنها در آن کار میکنند» از آن داشته های خویش که دارید استفاده کنید نه اینکه منتظر چیزی باشید که هرگز امکانش وجود ندارد. شما برای بدست آوردن چیز های بهتر شما باید بهترین باشید. شما زمانی به موفقیت خویش میرسید که واقعا ظرفیت آن را داشته باشید، برای مثال شما نمی توانید برای یک فرزند کوچک ماشین واقعی برایش بدهید چرا که او ظرفیت ماشین واقعی را ندارد و هیچ وقت هم نمی خواهد چرا؟ برای اینکه از او درست استفاده نمی تواند. این جمله را به خاطر داشته باشید **«جان چو دیگر شود، جهان دیگر شود»** آراده قوی شما بهتر از یک عمر با ترس و بدون ارزش دادن به خود میباشد. آینده را خوب نخوانید، برای آینده خویش خوب برنامه ریزی کنید و همانطور خواهد شد که شما آینده را نوشته کردید و در آن زندگی کنید. من در شب رویا های خویش را یادداشت میکنم و در صبح نیاز به رویا دیدن ندارم چرا برای اینکه می خواهم آن ها را به واقعیت تبدیل کنم. **«*** شما فکر میکنید که میدانید، شما میدانید که فکر میکنید، انسان های نادان که فکر نمی کند***»**



قانون نامحدود

قانون نامحدود که در این جهان هستی حرف اول موفقیت را میزند، اگر شما فکر کرده باشید تا حال اون انسانهای که همیشه بیش از دیگران در تلاش اند، آنها بیشتر نیز بدست می آورند. در این راه بدست آوردن هر چیزی یک امتحانی از شما گرفته می شود، در این امتحان شما با چه چیزی های روبرو می شوید، شکست، گرسنگی، بی پولی، کم خوابی و هزاران نوع مشکلات دیگر، ولی این شماست که همه این ها را قبول میکنید و به راه تان ادامه میدهید. در این جهان هستی جسم ما انسانها در محدودید های بسر می برد، ولی ذهن و روح مان بی نهایت میباشد. شما نیازی نیست با جسم تان همیشه کلانجار برید، شما قدرتی بی نهایتی را دارید که توسط او می توانید جسم تان را گسترش دهید و تمام محدودید ها را برای جسم مادی خویش به پایان برسانید. **در این قانون شما می آموزید که چطور می توانید بر همه ابعاد زندگی خویش تسلط داشته باشید.** ما موفقیت را در این جهان، یک پادشاهی جدید می دانیم، هیچ انسانی قادر نیست تمام لذت ها را برای موفقیت از دست بدهد. ما می دانیم که اوج موفقیت زمانی است که شما خود بخواهید بعضی از چیزی ها را باخاطر چیز های دیگر فدا کنید. شما با قوانین که در زندگی برای مان دیگران خلق نمودن در اصل ما را در زندانی قرار دادند که فرار از اونجا به قدری سخت می باشد ولی ناممکن نیست. شما در چند زندان قوانین مخرب دیگران زندانی هستید؟ آیا زمانش نرسیده که استقلال خویش را بجویم؟ ما آنچه را که می خواهیم بدست می آوریم، ما هوشیارانه کار می کنیم. در این قوانین با ما همراه باشید.

1. قانون زمان

زمان یکی از بهترین بازیگر های جهان، که همه را می تواند در خود شکست دهد. این قانونی است که شما را متوقف به زمان می کند، شما را از کاری که می خواهید انجام دهید در همان کار هزاران نوع دیگر از مشکلات برای شما ایجاد می شود تا شما را از تصمیمی که گرفتید منصرف کند. برای مثال شما می خواهید ماشین زمان را اختراع کنید، به محض اینکه این ایده در ذهن شما ظهور کرد، زمان می خواهد از انرژی منفی که برای شما ایجاد کرده سود ببرد و شما فوراً می گوئید چنین چیزی امکان ندارد اگر هم میداشت حتماً دیگران آن را انجام می داد. برای مبارزه با زمان شما در هیچ حالتی نباید کار خود را نیمه تمام بگذارید اگر شما یکی از وظایف خویش را انجام ندادید زمان کاری میکند که شما دیگر حس انجام آن کار را نداشته باشید. زمان هم تا بی نهایت ادامه دارد، شما هم تا بی نهایت ادامه دارید. فرق شما در فیزیک تان میباشد، شما محدود به جسم تان هستید و زمان محدود به از دست رفتن. شما نمی توانید زمان را متوقف کنید ولی می توانید آن را به نفع خویش به کار بگیرید.

2. قانون راه یابی

قانون راه یابی بشما کمک میکند که در هر حالتی خود را به مقصود خویش برسانید. این یکی از قوانین در بازار های تجارت میباشد، بزرگترین تاجران از این قانون برای فروش بیش از حد کالا های خویش استفاده میکنند. **ما از قدیم آموختیم که میگفتن که چاه کن همیشه در چاه است.** ولی من بشما چیزی دیگری بیان میکنم اینکه برج سازان همیشه در بلندی و قلعه های از آسمان قرار دارند. شما نیازی ندارید که تبلیغات بیش از حد برای شرکت خویش داشته باشید، فقط کافی است که خود را در بلندی قرار دهید تا همه کار کرد های شرکت های حریف تان را ببینید و از نقطه دیگری کالا های خویش را وارد بازار تجارت کنید. شما نیازی نیست که تمام زندگی تان را در تاریکی و ترس بگذرانید، فقط کافی است که در تاریکی ها نور را با خود داشته باشید در این زمان همه چیز آشکارا خواهد شد.



3. قانون مثبت و منفی

همه شما در علم ریاضی مهارتی دارید، انسان‌ها از نظر ریاضی به دو نوع می‌باشد. مثبت‌ها و منفی‌ها دقیقاً مثل اعداد می‌باشد. آن‌ها از کسانی که مثبت‌اند آنها همیشه سود و فایده نصیب‌شان می‌شود و در تجارت خویش لذت شکست را نمی‌چشند. نوع دیگر انسانها منفی همان ضریبی است که در همه ما قرار دارد، این نوع انسانها همیشه در حال پایین آمدن و شکست می‌باشد و به هر کاری که دست می‌زنند در آن شکست می‌خورند و متوقف به راه دیگر می‌شود یا سگ خیابانی می‌شوند. شما چطور می‌توانید انسانهای مثبت را از بازارهای تجارت خارج سازید، نیازی نیست که وی را از این جهان فانی مرخص کنید فقط کافی است که در ضریب مثبت او عدد منفی را ضرب کنید او وقت است که طرف هم ضریب منفی به خود می‌گیرد. اگر شما انسانی با ضریب منفی می‌باشید شما خوش بخت‌ترین انسان روی زمین هستید چرا برای اینکه شما هم می‌توانید لذت موفقیت را بچشید و هم لذت شکست‌ها که قبلاً چشیدید. اگر در ضریب خویش ضریبی مثل خود ضرب کنید اصل وجود شما را تغییر می‌دهد ولی در اعداد مثبت چنین چیزی امکان ندارد.

4. قانون بی‌نیازی

این قانون به شما کمک می‌کند که در زندگی به نیازهای که دارید بی‌نیاز شوید در این موقع شما می‌توانید آن را در زمان دیگر خیلی راحت از آن بدست بیاورید. برای مثال اگر شما یکی از جدیدترین مدل‌های گوشی که جدیداً به بازار آمده و همه آن را انتخاب می‌کنند ولی شما پولی کافی برای خرید آن ندارید. در این زمان شما می‌توانید بی‌نیازی خویش را ثابت کنید که واقعا نیازی نیست تمام پولم و فکرم را صرف آن چیز کنم، ولی بعداً شما متوجه می‌شوید در زمانی که دیگر آن چیز بی‌ارزش شده ولی کیفیت خویش را از دست نداده است در این موقع شما می‌توانید با پول بسیار کمی صاحب آن چیز شوید. یا مثال دیگر که برای همه عالی است، شما می‌خواهید صاحب ملکی شوید در داخل شهر ولی پولی هنگفتی از شما می‌خواهد تا صاحب آن ملک شوید، در این حالت نیازی نیست که تمام پول‌تان را داخل شهر سرمایه‌گذاری کنید شما می‌توانید با پول کم خارج از شهر مناطق مختلفی را بخرید. در این حالت شما باید از قانون زمان استفاده کنید که شهرها در حال گسترش می‌باشد بعد چند مدتی شهر به مناطق شما خواهد رسید در این موقع شما می‌توانید بیشتر و بیشتر سود کنید. یا هم می‌توانید برای گردشگران در مناطقی که شما آن را خریدید ساختمان‌ها برای تفریح و سرگرمی اعمار کنید در این حالت نه تنها گردشگران بلکه اکثریت مردم شهر نیز در آنجا حضور خواهند داشت. قانون بی‌نیازی به ما آموخت که هر چیز مورد علاقه خویش را در زمان و مکان دیگر خیلی ساده و راحت بدست بیاوریم.

5. قانون یک‌ثانیه‌بی

در این قانون ما می‌توانیم با یک اشتباه آخرین انسان در مسابقه موفقیت باشیم و یا هم می‌توانیم در یک ثانیه مقام اول را از خود کنیم. یکی از رمزهای موفقیت افراد در حرصه اینکه همیشه از دیگران پیشی دارند این است که یک ثانیه بیشتر بخود از دیگران وقت می‌دهند. یک مثال از زندگی خودم، من در تمام دوران مدرسه یا مکتب مقام اول را کسب نکردم ولی در کلاس آخر مدرسه توانستم با مقام اول از مدرسه خدا حافظی کنم و به دانشگاه برسم. من در این کلاس آخر به این نقطه دست یافتم اگر فرق ما در حدی باشد با بهترین حریف‌های جهان نیز در همین یک ثانیه می‌باشد، من در روزهای امتحان بیشتر از دیگران تلاش می‌کردم نه اینکه تمام درس‌ها را حفظ کنم بلکه در شب کمتر از دیگران می‌خوانیدم و تا لحظه‌یی که خواب می‌رفتم هم کتاب‌های امتحان در کنارم بود. و هیچ وقت آنها را دور نمی‌کردم و همین که فقط به عکس‌های کتاب توجه می‌کردم برایم کافی بود، ما در این قانون به جهان



هستی آگاهی می‌دهیم که بیشتر از دیگران تلاش می‌کنیم و برنده شدن حق ماست جهان فقط ظاهر جسم ما را می‌بیند نه افکاری محرمانه در داخل ذهن مان. در قانون یک ثانیه شما این را ثابت می‌کنید که بیشتر از دیگران تلاش می‌کنید و همچنان همه چیز حق شماست. یکی از بهترین مثال‌ها برای این قانون نگاهی به مسابقات بوکس و یا دوش می‌باشد اگر شما در یک ثانیه به تمام کسانی که در اطراف تان قرار این را ثابت بسازید که بیشتر از حریف تان تلاش می‌کنید، در این حال جهان می‌بیند و همه را درک می‌کند و شما را لایق مقام میداند، ثابت نمودن یک ثانیه بیشتر تلاش نمودن برای حریف تان نتیجه این میشود که او در جسم و ذهن خویش احساس ضعف و ناتوانی کند و شما می‌توانید از قانون زمان و راه یابی مقام را ازان خود کنید.

6. قانون متوقف نشوید

شما نمی‌توانید با سرعت نور هم که شده خود را به مقصد اصلی خویش برسانید، چرا برای آنکه انرژی شما روزی به پایان خواهد رسید و شما از دیگران عقب می‌مانید. برای آنکه شما عملکرد بهتری داشته باشید می‌توانید آهسته حرکت کنید تا با حرکت آهسته شما دوباره انرژی بگیرید و بعد با سرعت حرکت کنید. در زندگی متوقف نشوید به این معنی است که هرگز بعد شکست و ناکامی از آرزوی که دارید دست بر ندارید و راهی را که آمده اید به پایان برسانید. پیش از موفقیت زندگی قوانین برای شما دارد، ولی بعد موفقیت این شماست که قوانینی برای زندگی می‌گذارد.

7. قانون جذب

جهان درون شما با جهان بیرون شما همیشه در حال ارتباط میباشد، شما هر چیزی را که بخواهید جهان بیرون شما از آن خبر می‌شود و به گفته شما گوش به فرمان می‌شود. چرا انسان‌ها فقیر اند برای آنکه آنها درست با جهان بیرون خویش ارتباطی نداشتن و در زندگی این خواست را ندارند که مثل انسانهای دیگر پولدار و ثروتمند باشند. شما به آن چیزهای دست می‌یابید که از که واقعا خواستار آن هستید. قانون جذب به شما کمک می‌کند که انرژی بی برای اطراف خود ارسال کنید همانطور که شما می‌خواهید باشید. اگر شما درخواستی از درون خویش داشته باشید جهان بیرون حکم به فرمان شماست، اگر شما در درون خویش اختلاف نظر داشته باشید جهان بیرون شما درک نمی‌کند که شما واقعا چی می‌خواهید و به همین علت است که در چهاراهی‌ها بسر می‌برید. همیشه به یاد داشته باشید که آرامش درون شما باعث میشود که آرامش بیرون از جسم خویش را دریابید. آنها که موفق شدن خواستند و توانستند، شما نیز می‌توانید هر چیزی را درخواست کنید و آن را بطرف خویش جذب کنید. این قانون نیاز به آرامش کامل درون شما دارد «جان چو دیگر شود، جهان دیگر شود» شما هر چیزی را که جذب می‌کنید باید تحمل عواقب آن را داشته باشید، شما نمی‌دانید که چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد، اما شما می‌توانید آینده خوبی را برنامه ریزی کنید.

8. قانون بدون انتظار

ما در این قانون می‌آموزیم که برای دیگران و کارهای بسیار سخت و دشوار و همچنان مشکلات روزگار می‌توانیم صبر کنیم اما نمی‌توانیم همیشه در حال انتظار بنشینیم تا همه بصورت عادی حل شوند. صبر در زندگی برای این است که ما دوباره انرژی بگیریم و به کار خود قویتر ادامه دهیم، اما نه اینکه برای همیشه در انتظار بنشینیم تا مشکلات در زندگی مان خودشان حل شوند براینکه هیچ امکان ندارد. ما از روزهای قبل زندگی مان قویتر وارد در مراحل جدیدی از زندگی مان میشویم و به انتظارها را به نقطه توقف می‌گذاریم. همیشه صبر داشته باشید نه اینکه در انتظار باشید، قرار نیست اتفاقی رخ بدهد فقط کافی است شما خودتان را به حرکت در بیاورید و همه چیز عالی می‌شود.



9. قانون نه گفتن

اگر شما در زندگی برای هدفی در تلاش هستید همیشه این نکته را به یاد داشته باشید که برای کار های دیگران که از شما می خواهد باید قانون نه گفتن را یاد بگیرید و آن را طوری به طرف مقابل بیان کنید که شما از پس کاری که به شما گفته بر نمی آید. در این قانون شما می توانید بیشتر وقت خویش را برای هدف خویش بگذرانید و از کار های خسته کننده دیگران دست بکشید. قرار نیست ما برای دیگران تا ابد کار کنیم یا برای دیگران زندگی کنید.

10. قانون برای خودتان

هیچ موجود زنده یی در جهان وجود ندارد که تابع قوانین طبیعت نباشد و یاهم برای زنده ماندن و راز بقا قانونی نداشته باشد. شما برای کسب موفقیت در زندگی خودتان قوانینی را باید داشته باشید تا از کار های که قرار است انجام دهید عقب نمانید و آنها را به صورت عالی به پایان برسانید. انسانهای موفق در زندگی از قوانین دیگران استفاده نمی کنند، اما آنها برای خودشان قوانینی را می سازند و الگوی برای دیگران می شوند و دیگرانی که می خواهند مثل شما موفق شوند از راهکار های شما استفاده می کنند و این بسیار با ارزش می باشد. شما باید برای زندگی تان طوری برنامه ریزی کنید که بعد شما هم آن برنامه ها ادامه داشته باشد، یعنی اینکه برنامه های داشته باشید که بتواند در قرن بعد از شما اعمال شود. این کار ها ناممکن نیست اما شما می توانید بعد مردن هم در این جهان زندگی جاوید داشته باشید. هیچ کاری در جهان با مطالعه قبلی صورت نمیگیرد شما باید در هر علمی از جهان آگاهی قبلی داشته باشید و این آگاهی شما به شما کمک می کند تا بیشتر و قویتر از قبل زندگی کنید. قانون نامحدود مثل اسمش می تواند به میلیون ها اصلی برای زندگی شما داشته باشد اما شما که نمی توانید تمام اوقات عزیز زندگی خویش را برای مطالعه کردن قوانین بگذارید بلکه نیز شما می توانید قوانینی را بسازید و آن را برای دیگران هدیه دهید. در زندگی شما شاید کسانی باشد که در مقابل شما قرار بگیرد لازم نیست شما آن را ضعیف و نتوان قرار دهید فقط کافی است که خودتان را قویتر قرار دهید تا هیچ کسی نتواند در مقابل شما و برنامه های که دارید قرار بگیرد اگر روزی چنین اتفاقی برای شما رخ داد در این موقع شما باید از قوانینی که بالا ذکر شده استفاده کنید و شما می توانید همیشه موفق باشید، موفقیت یعنی سفری که بعضی ها نمی توانند آن را به پایان برسانند و در نیمه از راه می مانند و متوقف میشوند، این یک فاجع بسیار بدی است که در زندگی شما برای خودتان رخ می دهد. اگر شما انرژی کافی را ندارید از قانون متوقف نشوید استفاده کنید تا با داشتن سرعت بسیار کمی دوباره انرژی کسب کنید و با سرعت عالی و لذت بردن از سفر خویش استفاده کنید....



نمی دانیم اما آهسته آهسته می‌سیم!

مرگ این نیست که از زندگی با اندیشه و تفکرات مفیدی از این جهان خدا حافظی کنیم، مرگ یعنی در زندگی جرحه‌یی از علم و دانش در وجود خود بهره مند نباشیم و این جهان را وداع بگوییم. در این زندگی ما نمی‌توانیم تمام علم جهان را بیاموزیم بر اینکه عمر عزیز مان کافی نیست. در این جهان ما خلق شده ایم تا مقداری بیاموزیم و دیگر آموزش بدهیم. دانستنی‌ها در زندگی کمکی نمی‌کند تا ما بیشتر بفهمیم اما نداستنی‌های که در ذهن داریم و می‌خواهیم بیشتر بدانیم کمک می‌کند تا از قبل فهمیده‌تر باشیم. شما در زندگی اینکارها را اگر انجام ندهید شما از زندگی هیچ لذتی برده نمی‌توانید، یعنی مثل حیوان زیستن می‌باشد. شما باید در طول عمری که دارید باید این کارها را انجام دهید. **اول:** باید سفر کنید تا بیشتر با جهان بیرون تان آشنا شوید و مردمان بیشتر با فرهنگ‌های مختلف باید بشناسید. **دوم:** شما نمی‌توانید با دانشمندان جهان در هر عصر و زمان آشنا شوید و از علم آنها استفاده کنید، اما می‌توانید کتاب بخوانید. کتاب خواندن شما را از رازهای زندگی جهان بشریت و علم این کائنات آگاه می‌سازد و شما می‌توانید با کتاب‌های که می‌خوانید در هر عصر و زمان زندگی کنید. **سوم:** اگر به اصوات زندگی تان گوش ندهید و همیشه در خود باشید این باعث می‌شود زندگی برای شما خسته‌کننده باشد، شما باید به صدا های زندگی تان گوش فرا دهید و بخواست‌های که زندگی و جهان بیرون از شما می‌خواهد آنرا انجام دهید.

این سه کار را در زندگی باید انجام دهید و با لذت کامل زندگی خویش آگاه شوید. زندگی همه ما تابع زمان می‌باشد و با گذشت زمان زندگی هم به پایان می‌رسد شما باید با روح تان زندگی کنید و برای همیشه جاودان باشید تا بعد از شما هم روح تان در آرامش قرار داشته باشد. اگر شما می‌خواهید شخصیت دانشمندی را بررسی کنید از او بپرسید که چقدر می‌داند، اگر شخص مقابل گفت همه چیز را می‌داند از او دور باشید زیرا او هنوز در وجود محدود خود در قید می‌باشد، انسان‌های که می‌گویند هیچ نمی‌دانند و می‌خواهند بیشتر بدانند آنها بهترین برای خلقت هستند، بر اینکه علم محدود نیست و پایانی هم ندارد آن کس که می‌گوید از علم آموزی و آموختن علم فارغ التحصیل شده در ناگاهی کامل به سر می‌برد. شما باید با نداشته‌هایتان داشته‌ها را بوجود بیاورید و تا ابد با این حس زندگی کنید، بشریت از روز تولد هیچ چیزی با خود از شکم مادر نیاوردند، بلکه آنها خواستن تا حس کنجکاوی شان را تا آسمان‌ها برسانند و توانستند از رازهای همه چیز آگاه شوند. راز زندگی این است که ندانید و بخواید که بدانید. **اکنون شما علمی را که فرا می‌گیرید مال گذشته‌هاست، چرا شما علمی برای آینده نمی‌آموزید.** شما برای آینده‌ها کار می‌کنید و تا آینده‌ها زنده می‌مانید. در این جهان هستی هیچ موجود زنده بودن هدفی برای آینده زنده مانده نمی‌تواند همه ما در هر حالتی از زندگی برای خویش برنامه‌های داریم و تا پایان عمر با آنها زندگی می‌کنیم اما این کافی نیست، این جهان به کسانی اهمیت می‌دهد تا برای سال‌های بعد از خود نیز برنامه داشته باشند و بعد مرگ آنها برنامه‌هایشان عملی می‌شود. ما برای بیشتر دانستن باید هرگز ندانیم و بخواهیم که بدانیم این باعث می‌شود تا به علم ما بیشتر اضافه شود. شما در سفر به موانع بسیاری روبرو می‌شوید و آن نعمت‌های را که در خانه داشتید در سفر ندارید باید تلاش کنید تا بدست بیاورید و یا هم پولی پرداخت کنید، در سفر شما قدر نعمت‌های را می‌دانید که در شهر خود نمی‌دانستید. کتاب‌های که شما می‌خوانید در اصل شما زندگی یک انسان یا چندین انسان را می‌آموزید و از تجربه‌های آنها در زندگی خویش استفاده می‌کنید. کتاب‌ها بشما آن آگاهی‌ها را می‌آموزد که هیچ استادی قادر نیست که بشما آن اطلاعات را بدهد که خود در راه کسب آن تلاش نموده. شما با آثاری که بجا می‌مانید بشما کمک می‌کند تا برای همیشه انسان‌های بعد از شما از آنها استفاده کنند و این کار باعث می‌شود شما برای همیشه در ذهن و روح بشریت جا داشته باشید. شما باید به صدا های زندگی گوش فرا دهید و زندگی تابع امر شما می‌شود. ندانید و بخواهید که بدانید.



فقر مرگ بزرگی است!

ما در این بحث سخنی از امیرمومنین حضرت علی(ع) را مورد بررسی قرار میدهیم، حضرت فرمودند که «فقر مرگ بزرگی است» (حکمت ۱۶۳ نهج البلاغه) این یعنی ما در این جهان نباید فقیر باشیم یا به فقر مواجه باشیم، در این جمله رازی از زندگی خردمندانه نهفته است. فقر در این جمله به این معنی میباشد که ما نباید در زندگی خویش شخصیت خویش را از دست بدهیم چرا؟ براینکه ما در این جهان اشرف خلق شده ایم و تمام انسانهای در این جهان یکسان می باشند، اما شخصیت های که آنها کسب می کنند نتیجه سال های زیادی از تلاش و کوشش آنها می باشد. شما برای داشتن زندگی بهتر در این جهان و جهان ابدی چی آینده یی را در نظر میگیرید؟ انسانها در جهان به شکل و طرز عجیبی زندگی میکنند، هدف اصلی همه انسان ها زندگی در بقاء میباشد. عده یی از ما انسانها نه تنها برای بقاء زندگی میکنند بلکه برای دیگر افراد آینده خوبی میسازند. در وجود هر انسان نقطه ضعف های وجود دارد و اگر این نقطه ضعف ها را درمان نکنید شما از راز اصلی غافله موفقیت عقب مانده اید. هر مشکلی که در وجود انسان شکل میگیرد علتی دارد که او از قبل کاری را انجام داده، شما برای هر کاری به آینده آن فکر نکنید، به آینده آینده آن کار بیندیشید و هر جا که دیدید در کارتان تعلل ایجاد میشود روی همان نقطه تمرکز کنید اگر این مشکلی که امروز کوچک است فردا به بزرگترین ترس تان تبدیل میشود. در این زندگی دشمنی وجود ندارد اما ترس های ما باعث میشود عده یی از انسان ها معنی رقابت و حریفی را اشتباه درک کنند و آن را به بازی جان گرفتن فکر کنند، این ترس شما بود که روزی کوچک و بی نیرو بود آن را به خوبی رشد دادید و توجه کامل برای رفع این ترس نه نمودید. و اکنون تبدیل به قول بزرگی شده می خواهد شما را از ریشه بکند. هیچ انسانی در روی زمین پولدار به دنیا نمی آید یعنی ثروت شخصی ندارد اما بعد ها تغییراتی که در زندگی ما انسان ها رخ میدهد باعث میشود عده یی از ما خیلی جلو بروند و عده یی در قید این فکر باشند که ما فقیر می باشیم. شما علت اصلی فقرتان نیستید این باور شماست که شما را به انسان ضعیف و بیهوده تبدیل کرده است. شما فکر کنید در این زمانی که زندگی میکند حتماً انسانهای ثروتمند و فقیر را مشاهده نموده اید، تنها نقطه یی که شما را جذب میکند این است که طرز تفکر هر دو این انسان متفاوت میباشد. یکی فکر میکند تا چند نفر را قول بزند تا کمی پول بدست بیاورد. دیگری تلاش میکند تا پول بدست بیاورد و از آن روزگار پشت سر بگذراند. انسان ها نمی تواند در زندگی بدون دوست و هم کلام زندگی کنند ولی می تواند به تنهایی بهترینی برای خود باشد تا همه برای او جذب شود. شما اگر مشاهده کرده باشید که هر انسان موفق به قدری موفق است که طرز فکر شان همان قدر موفق باشد. اندیشه های متفاوت در زندگی شما در اصل خود زندگی شما را شکل میدهد. هر آنچه که شما در مورد شخصیت خویش می اندیشید همان خواهید شد. شما نباید خود را دست کم بگیرید، شاید کنار شما انسانهای باشد که برای برنامه موفقیت شما انرژی منفی میدهد اما مهم نیست به حرف های همه کسانی که به شما مشورت میدهد گوش بگیرید اما کاری را انجام دهید که شما خودتان برای آن سال ها برنامه ریزی داشته بودید شاید روز ها و سال های اول شکست پذیر باشد اما شما نباید خویش را دست کم ببینید و به خود لقب انسان شکست ناپذیر را بدهید این کار شما باعث این میشود که جهان واقعی در مورد شما جدید بیندیشد و شما را قوی میبیند براینکه شما خودتان خواستید که قوی باشید و هیچ نوع مشکلی کمر شما را خم کرده نمی تواند بلکه شما می توانید تمام مشکلات را پشت سر هم بگذرانید و از روز های که قرار است در آن بهترین لذت ها را بچشید فرا رسد. انسان ها زمانی فقیر اند که نتواند از نعمت بزرگی که خداوند رحمان به ما هدیه داده درست استفاده نکنیم. آن نعمت همان طرز فکر شماست که در مغز هر انسان جای خود را میگیرد و برای شما زندگی بهتری را به ارمغان می آورد. شما شاید با کمی کار کردن خسته شوید اما زمانی که شما از قدرت ذهن تان استفاده کنید دیگر حس خستگی را نمی کنید، چرا؟ شما خودتان خواستید تغییر کنید.



اندیشه ها

توجه: تمام این سخنان کپی از دیگر شخصیت های بزرگ نیست، فقط طرز فکر نویسنده می باشد که برای شما عزیزان به تحریر در آورده شده است.

«جمله های که شما می آموزید در اصل یک عمر زندگی را آموختید.»

«شما فکر میکنید که میدانید شما میدانید که فکر میکنید، انسانهای نادان فکر نمیکنند.»

«راز های تان را در کتاب ها بنویسید، زیرا فقط رازداران کتاب می خوانند.»

« در زندگی به دیوانگان نخند زیرا آنها فکر میکنند که ما دیوانه ایم.»

«شاید این غم آخرین اشکت نباشد، اکنون که به سارغت آمده است به حدی گریان کن تا از آمدن خود پشیمان گردد.»

«انسان های فقیر کسانی اند، که پست، بد اخلاق و بدون اندیشه زندگی میکنند.»

«انسان های که به شخصیت های شان پی بردن و قدر زمان خویش را در هر لحظه دانستند، بعد مردن زمان قدر شان را میداند و تا ابد اسم شان باقی می ماند.»

«*** فکر کن زندگی ات ۲۴ ساعت است. دو ساعت برای کودکی، پنج ساعت برای جوانی و نادانی، سه ساعت برای کسب علم و دانش، یک ساعت خوراک و پوشاک، پنج ساعت خواب، دو ساعت زحمت و کار، یک ساعت مطالعه و اندیشه ها، سه ساعت زندگی زناشویی و مشترک بودن، دو ساعت برای رشد و تکامل خانواده و یک ساعت از عمر هم سستی و پیری. کل این ساعت ها را اگر حساب کنیم میشود ۲۵ ساعت، به همه ما انسان ها همیشه وقت اضافه داده می شود اما ما انسانها در آن لحظه ها هم در غفلتیم پس کی می توانیم به زندگی حقیقی خویش پی ببریم.***»

« وقت ما کتاب های از رمان می خوانیم در اصل زندگی دیگر شخصیت ها را مطالعه نمودیم و زندگی واقعی خودمان را از یاد برده ایم.»



« ما در این جهان علمی که می آموزیم برای همین روزگار است و برای آینده ما سالخورده می شویم و اگر علم فردای جهان را بیاموزیم برای فردا ها در این جهان وجود خواهیم داشت.»

« یک کشور پیشرفته به دولت عالی نیاز ندارد، بلکه به مردمی نیاز دارد که برای آینده کار میکنند نه برای حال.»

«عاقل باش نه بالغ.»

« نیازی نیست به شگفتی های طبیعت خیره شویم ما خودمان شگفت انگیزترین جهان هستیم. یکی از بهترین بازیگر های جهان : زمان است که هیچ کسی نمی تواند با او رقابت کند. »

« من به شما قانون موفقیت نمی آموزم، قانونی که به موفقیت ارزش میدهد شکست هاست، و راهی که بین این دو قانون وجود دارد پلی است بنام تلاش و تلاش...»

« من بین موفقیت و شکست، همیشه شکست ها را انتخاب میکنم براینکه به ما بیشتر از موفقیت می آموزد.»

« جای که می خواهی آرامش پیدا کنی آن قبرتان است، زندگی یعنی بجنگی و با قانون طبیعت زندگی کنی.»

« انسانهای موفق که ما می بینیم ظاهری هستن موفق و اما باطنی دارند که با شکست ها شستشو شده اند.»

« جهان ها را سفر نکنید آرامش ابدی در درون خودتان موجود میباشد.»

« زندگی یعنی در آن لحظه ها که همه چیز خلاف میل مان عمل میشود به نحو عالی زندگی کنیم.»

« بدترین دردی که شکست ها ندارد می توانید در زبان انسانهای منفی گو آن را دریابید.»

« احمق ترین انسانها کسانی اند که در مورد زندگی انسانهای دیگر تصمیم میگیرند.»



«با قوانین طبیعت اگر زندگی کنی خیلی زود خاک خواهی شد، قوانین و هدف های بساز برای
زندگی کردن تا دیگران از شما الگو بگیرند!!!»



جلد دوم نگاهی به

درون خویش!

در سال آینده یعنی ۲۰۲۵ بخش خواهد شد

«با قوانین طبیعت اگر زندگی کنی خیلی زود خاک خواهی شد، قوانین و هدف های بساز برای زندگی کردن تا دیگران از شما الگو بگیرند!!!»



قدرت کلام ما

کلام ما یا همان حرف های که میزنیم در اصل راز های دارن که در روح و روان شخص شنونده تاثیر بسیاری دارد. شما می توانید با کلمات بازی کنید و آن را طوری به گوش های دیگران زمزمه کنید طوری که دوست دارید او همان تغییر را در خود ایجاد کند و در هر حرف شما همانطور که شما می خواهید عکس العمل نشان دهد. شما می توانید با تمرین کلام تان را یکی از بهترین اسلحه های جهان قرار دهید، به این منظور انسانهای که قدرت اسلحه نتوانستند رام شان کند این زبان با حرف های سنجیده شده توانست او انسان را تبدیل به شخصیت دیگر کند.

سخن گفتن در مورد موضوعی با شخصی یا گروهی راهی است برای از بین بردن راز های وجودی آن چیز، یک سوال چرا؟ بیشتر دانشمندان در مورد نظریات و عمل نمودن آن در آینده نزدیک باهم گفتگو میکنند و این گفتگو های بعضی اوقات تا سال و ماه به طول انجامیده است. شما اکنون به رازی پی بردید که دیگران نمی توانند بفهمند این هوش شما نیست که شما را از هر نوع خطایی محفوظ میدارد این هشدار ها از طرف اطرافیان تان میباشد که شما را در مورد بعضی از موارد آگاه میسازد. شما نمی توانید تمام عمر عزیزتان صرف راهی کنید که بشما درس شکست بیاموزد شما می توانید از شکست های دیگران استفاده کنید و آن اشتباهاتی را نکنید که دیگران می نمودن و از زمان موفقیت خویش عقب ماندن، شما می توانید با استفاده خوبی از طرز فکرتان و قدرت کلام تان خویش را از هر گونه شکستی در راه موفقیت باز دارید. شما با حرف های که میزنید می توانید انسان ها را شفا دهید از هر گونه دردی و این همان کلامتان میباشد که می تواند انسان های صحتمند را سخت در حال درد و رنج قرار دهید، در کشور های دیگر عملی میباشد که بواسطه همین قدرت کلام و زبان علم شان جایگاه پیدا می تواند و از آن می تواند علم خویش را بطوری عادی مورد استفاده خویش قرار دهد. علمی که می تواند با قدرت کلام همیشه زنده و پیدار باشد این همان علم هیپنوتیزم میباشد که انسان ها و طرز فکر های شان را کنترل میکند. شما با بکار گیری کلمات بسیار بلند و آگاهانه شخصی را تابع خویش قرار دهید و آن را مطیع امر خویش قرار دهید. نیز در کشور های که این انسانها بسیار شدن محدودیت های برای شان ایجاد کردن تا از فساد بیشتر بین جامع خود داری کنند و از افراد ماهرشان برای بازجویی مجرمان و جاسوسانی که شکنجه نمیتواند از آنها حرف بکشد و این انسان ها را انجا احضار میکنند و با هیپنوتیزم نمودن آن شخص تمام راز هایش را آشکار میسازد. این یکی از مثال های بود از قدرت کلام.

همانطور که شگفتی های بدن ما بسیار است هنر های کلام و به کار گیری الفاظ در جایگاه های خاص شان نیز بسیار می باشد که ما می خواهیم این شگفتی ها را بشناسیم و از آن در زندگی استفاده کنیم. دلیل اصلی موفقیت افراد تلاش های پیش از حد نیست، قدرتی است که ذهن شان را از کمی و کاستی باز میدارد این همان کلام های هست که در ذهن هر انسان قرار دارد و افرادی میتوانند از آن کار گیرند که واقعا می خواهند موفق باشند.

به خود نگید بهترین هستید، بگوئید می خواهم از قبل بهتر باشم. اگر شما همیشه بگوئید که بهترین هستید دیگر شما نمی توانید مثل قبل برای موفقیت تان تلاش کنید، براینکه ذهن تان بشما این تلقین را میدهد که شما دیگر خود کفا شده اید.

• ادامه مطالب زیبا و جالبتر در جلد دوم برای شما عزیزان

از شما برای شما

سپاس از خداوند جهانیان، که علم را همه چیز قرار داده و برای یاد گیری علم به بندگانش عقل را عنایت فرموده است. ما در این هستی خلق شده ایم، تا زندگی کنیم طوری که حق ماست. ما آموختیم که زندگی مثل موج دریاست، گاهی خیلی بلند، گاهی خیلی طوفانی و خشن گاهی آرام و خسته. چرا؟ براینکه ما نسخه خیلی قوی این جهان هستی هستیم. چه چیزی باعث این شد؟ که ما هنوز هم خیلی پرتلاش و شکست ناپذیر هستیم، ما هر لحظه در دل خویش هزاران بار احساس می کنیم، که متعلق به اینجا نیستیم. دقیقاً همینطور می باشد برای اینکه ما متفاوتتر از دیگران می اندیشیم و این اندیشه ماست، که ما شخصیت خویش را کسب می کنیم. همه که نباید مثل هم اندیشید تفاوت های مان باعث بوجود آوردن، پیشرفت در زندگی های مان می شود. پس بیاید با خود یکی یکی از موفقیت های مان را جشن گرفت تا همه بدانند که اینجا هم شخصیت های زنده است که آینده بشریت را تغییر خواهند داد.

زنده باد (تغییر)

زنده باد (هنر)

زنده باد (آزاد اندیشی)

زنده باد (علم و دانش)

زنده باد (قدرت و اراده)

زنده باد (موفقیت)

زنده باد (انسانیت)

سپاس از آنهایی که به شخصیت های شان پی بردند



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**